



مؤلف:  
دکتر محمد جال

# عربی دوازدهم

۱۵  
حج

۱۰۰

صفحه تحلیل متون  
کتاب درسی

۳۰

صفحه آموزش قواعد و  
پاسخ تمارین کتاب درسی

۱۰۰۰

پرسش امتحان نهایی  
درس به درس

۸

آزمون درس به درس  
با پاسخ

۶

آزمون نیمسال اول و  
جامع با پاسخ

فرمول  
بیسست



9 786220 308904

تهران، میدان انقلاب

نیش بازار چه کتاب

[www.gajmarket.com](http://www.gajmarket.com)

# مقدمه مؤلف

نثار روح پدر عزیزم و همهٔ پدران  
آسمانی که همیشه در قلب ما  
جاویدان هستند.

با توجه به تغییرات اخیر در نظام ارزشیابی یعنی حذف دروس عمومی از کنکور، تأثیر قطعی نمرات امتحان نهایی در قبولی دانشگاه‌ها و نیز مفهومی شدن سؤالات، به دست آوردن نمرهٔ کامل (۲۰) بسیار دشوار می‌نماید. کتاب عربی «زودپز» به همین منظور با زبانی ساده و قابل فهم برای داوطلبان تألیف شده است تا با مطالعهٔ آن، نمرهٔ مطلوب را در امتحان نهایی به دست آورید.

## ● ویژگی‌های کتاب حاضر عبارتند از:

- ۱ ترجمه و شرح آیات و عبارات «متن درس، تمرین‌های متن درس، اِعلَمُوا، اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ و تمارین» که هر یک شامل بخش‌های زیر است:
  - الف ترجمهٔ کامل عبارت
  - ب ترجمهٔ کلمات (شامل ترجمهٔ لفظ به لفظ کلمات)
  - ج واژه‌شناسی (شامل مترادف و متضاد، جمع مکسر، اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مکان، اسم مبالغه و کلمات مشابه)
  - د نقش کلمات (محل اعرابی کلمات)
  - ۲ آموزش قواعد هر درس
  - ۳ حل تمرین‌های هر درس
  - ۴ نمونه سؤالات تفکیکی امتحانات نهایی درس به‌درس شامل:

الف ترجمهٔ کلمات ب متضاد و مترادف ج کلمهٔ متفاوت در معنی د مفرد یا جمع کلمات ه توضیح کلمات و ترجمهٔ آیات و احادیث و عبارتها به فارسی ز انتخاب صحیح در ترجمه ح کامل کردن ترجمهٔ فارسی در جای خالی ط ترجمهٔ فعل‌ها ی انتخاب فعل مناسب در جای خالی ک پیدا کردن انواع اسم در جمله‌ها (اسم فاعل - اسم مفعول - اسم مبالغه - اسم تفضیل - اسم مکان) ل ترجمهٔ کلماتی که زیرشان خط کشیده شده است م نقش کلمات (محل اعرابی) ن مشخص کردن گزینهٔ صحیح در اعراب و تحلیل صرفی س مشخص کردن کلمهٔ صحیح در جای خالی ع درک مطلب ه پاسخ تشریحی نمونه سؤالات تفکیکی امتحانات نهایی درس به‌درس ۶ آزمون‌های تألیفی درس به‌درس و جامع نیم‌سال اول و آزمون‌های نهایی چند سال اخیر

## ● نحوهٔ استفاده از کتاب حاضر

- توصیهٔ ما این است که ابتدا «قواعد» هر درس همراه با نمونه مثال و بعد از آن ترجمهٔ عبارات متن درس و ترجمهٔ سایر بخش‌های کتاب درسی با دقت مطالعه شود تا بتوانید به‌خوبی «عبارت‌های عربی» را که مهم‌ترین بخش کتاب درسی است، ترجمه کنید. البته بهتر است در هر بخش از ترجمه نیز ابتدا بخش ترجمهٔ کلمات، واژه‌شناسی و فن ترجمهٔ آن را مطالعه کنید، سپس ترجمهٔ کامل و نقش کلمات را بخوانید.
- در مرحلهٔ بعد، به تمرین‌های درس به‌درس از امتحانات نهایی و آزمون‌های تألیفی (۲۰ نمره‌ای) که در پایان هر درس طراحی شده است، با دقت پاسخ دهید.
- در پایان از همهٔ دوستان و عزیزانی که بی‌منت مرا در این امر یاری کردند تا این کتاب با بهترین محتوا و کیفیت به دستتان برسد، صمیمانه سپاس‌گزارم:
- سرکار خانم زهرا فارسی که با دقت، نکته‌سنجی و دانش بالای خود در بازبینی علمی کتاب زحمات شایان توجهی را متحمل شدند. آقایان: سعید ملکوتی، عباس روزده، سیدعزت عمید، دکتر غلامحسین کسرائی، دکتر حبیب تقوایی، علی شعاعی، اسفندیار زهره‌وند، محمد جدیدی.
- خانم‌ها: فاطمه سادات شیرنگی، دکتر طیبه عباسی، جواهر فرحات، مریم اسدیان، دکتر فائقه نکیسا، شکوفه سلطانی

## فهرست

۵

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: الدِّينُ وَ التَّدِينُ

۸۱

الدَّرْسُ الثَّانِي: مَكَّةُ الْمُكْرَمَةُ وَ الْمَدِينَةُ الْمُنَوَّرَةُ

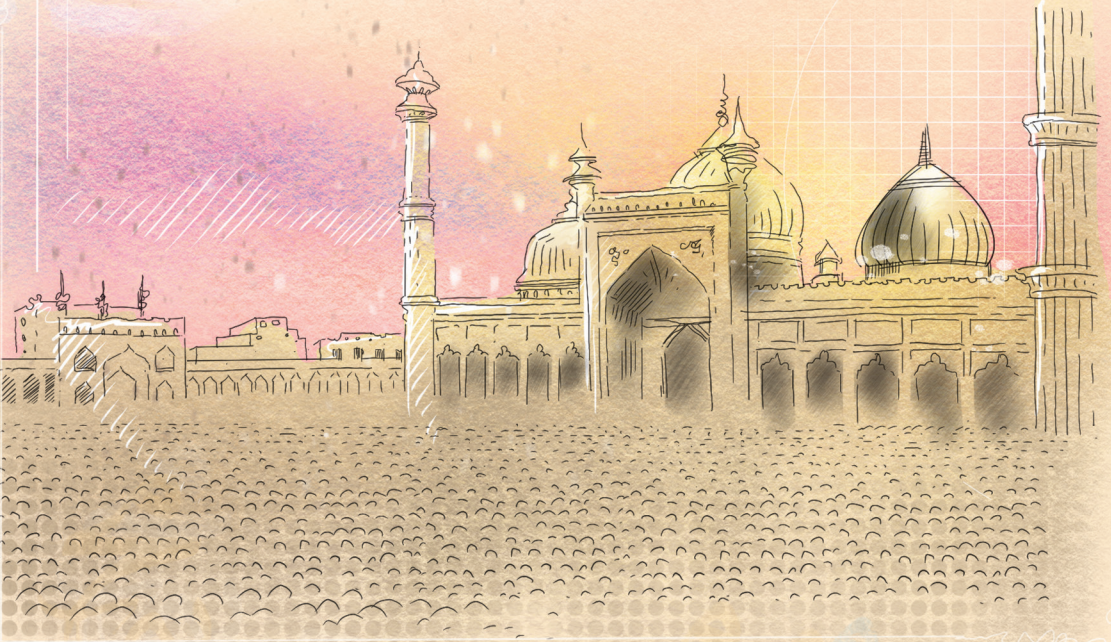
۱۵۹

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ: الْكُتُبُ طَعَامُ الْفِكْرِ

۲۳۳

الدَّرْسُ الرَّابِعُ: الْفَرَزْدَقُ

# الأول الدرس



أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً  
بایک تپارستی به دین روی آور.

# کارگاه ترجمه و نقش کلمات

## ترجمه و شرح آیات و عبارات «متن درس»

یونس: ۱۰۵

﴿أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾

**ترجمه کامل:** با یکتاپرستی به دین روی آور!

### ترجمه کلمات

**أَقِمَّ وَجْهَكَ:** روی بیاور (اصطلاح) / **ماضی:** «أَقَامَ وَجْهَهُ: روی آورد» / **مضارع:** «يَقِيمُ وَجْهَهُ: روی می آورد»  
**الْحَنِيفِ:** یکتاپرست [حَنِيفًا: با یکتاپرستی، معادل قید حالت در زبان فارسی و «حال» در زبان عربی است که در درس دوم خواهید خواند.]

### واژه‌شناسی

**مترادف:** أَقِمَّ وَجْهَكَ = أَقْبَلَ عَلَى / الْحَنِيفِ = الْمُؤَخِّدِ

**متضاد:** الْحَنِيفِ ≠ الْمُشْرِكِ، الْكَافِرِ (كافر)

**مفرد و جمع:** الْوَجْهَ ← جمع مكسر ← الْوُجُوهُ / الدِّين ← جمع مكسر ← الْأَدْيَانِ

### نقش کلمات ۱

**أَقِمَّ:** فعل و فاعل / **وَجْهَهُ:** مفعول / **لَدِّ:** مضاف‌الیه / **لِلدِّينِ:** جار و مجرور (ل: حرف جر؛ الدِّين: مجرور به حرف جر) / **حَنِيفًا:** حال (معادل قید حالت در زبان فارسی)

﴿التَّائِبِينَ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ. وَالتَّارِبِخُ يَقُولُ لَنَا﴾

**ترجمه کامل:** دینداری در انسان فطری است و تاریخ به ما می‌گوید:

### نقش کلمات

**التَّائِبِينَ:** مبتدا / **فِطْرِي:** خبر / **فِي الْإِنْسَانِ:** جار و مجرور / **التَّارِبِخُ:** مبتدا / **يَقُولُ:** فعل و فاعل، خبر برای «التَّارِبِخُ» / **لَنَا:** جار و مجرور

### ترجمه کلمات

**التَّائِبِينَ:** دینداری، دیانت، متدین بودن / **فِطْرِي:** ذاتی، سرشتی، فطری / **يَقُولُ:** می‌گوید

### واژه‌شناسی

**مترادف:** التَّائِبِينَ = التَّشَرُّعُ / التَّائِبِينَ: مصدر از باب تَفَعَّلَ  
**متضاد:** التَّائِبِينَ ≠ الْكُفْرُ (بی‌دینی) / يَقُولُ ≠ يَسْكُتُ (سکوت می‌کند)

۱. دانش‌آموز عزیز با توجه به اینکه شما با تمام نقش‌های کلمه‌ها در عربی هفتم تا دوازدهم آشنا نمی‌شوید، ما تلاش کردیم تا حد امکان تنها به ذکر نقش‌هایی که با آن آشنایی دارید، بپردازیم.

## لا شَعَبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَكَانَ لَهُ دِينٌ وَطَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

**ترجمه کامل:** هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست؛ مگر این که آیین و روشی برای پرستش (عبادت کردن) داشته باشد.

### نقش کلمات

لا: لای نفی جنس / مِنْ شُعُوبٍ: جار و مجرور / الْأَرْضِ: مضاف‌الیه /  
كَانَ: فعل ناقص / لَهُ: جار و مجرور / لِلْعِبَادَةِ: جار و مجرور

### فنون ترجمه

حرف جر «لِ» یا «عِنْدَ» + اسم یا ضمیر (در آغاز جمله اسمیه) = داشتن  
مثال: لَهُ دِينٌ، عِنْدَهُ دِينٌ ◀ دینی دارد  
فعل ماضی «كَانَ» + «لِ» یا «عِنْدَ» + اسم یا ضمیر = داشت  
مثال: كَانَ لَهُ دِينٌ، كَانَ عِنْدَهُ دِينٌ ◀ دینی داشت

### ترجمه کلمات

لا شَعَبَ: هیچ ملتی ... نیست، اصلاً ملتی ... نیست (وجود ندارد) [«هیچ + اسم نکره ... نیست»] / مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ: از ملت‌های زمین / إِلَّا: جز اینکه، مگر اینکه / كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ: دینی و روشی ... داشت

### واژه‌شناسی

مترادف: الطَّرِيقُ = السَّبِيلُ = الصَّرَاطُ = النَّهْجُ  
مفرد و جمع: الشَّعْبُ جمع مکثر ← الشُّعُوبُ / الطَّرِيقُ جمع مکثر ← الطَّرِيقُ  
کلمات مشابه: الشَّعْبُ: ملت، العُشْبُ: گیاه

## فَالْآثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي احْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ، وَالْحَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَالتَّقْوِشِ وَ

## الرُّسُومِ وَالتَّمَاثِيلِ، تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ وَتَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ؛

**ترجمه کامل:** آثار قدیمی (کهنی) که انسان آن‌ها را کشف کرده و تمدن‌هایی که آن‌ها را از طریق نوشته‌ها، نگاره‌ها، نقاشی‌ها و تندیس‌ها شناخته است، بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند و بر اینکه [این دینداری] در وجود او فطری است، دلالت می‌کند.

مفرد ← الحضارة / الکتابات / الکتابة / التَّقْوِشُ مفرد ← التَّقْشُ / الرُّسُومُ  
مفرد ← الرَّسْمُ / التَّمَاثِيلُ مفرد ← التَّمَالِ

### نقش کلمات

الْآثَارُ: مبتدا / الْقَدِيمَةُ: صفت / احْتَشَفَ: فعل / هَا: مفعول / الْإِنْسَانُ: فاعل / عَرَفَ: فعل و فاعل / هَا: مفعول / مِنْ خِلَالِ: جار و مجرور / الْكِتَابَاتِ: مضاف‌الیه / تَوَكَّدَ: فعل و فاعل، خبر برای «الآثار» / اهْتِمَامَ: مفعول / الْإِنْسَانِ: مضاف‌الیه / بِالذِّينِ: جار و مجرور / تَدُلُّ: فعل و فاعل / أَنَّ: حرف مشبّه بالفعل / فِي وُجُودِهِ: جار و مجرور / هَا: مضاف‌الیه

### فنون ترجمه

هرگاه قبل از اسم موصول «الَّذِي، الَّتِي، الَّذِينَ و ...» اسمی دارای «أَنَّ» باشد و اسم موصول معنای «که» بدهد، نقش آن صفت است و اسم معرفه ما قبل آن با «بِ» ترجمه می‌شود:  
مثال: الْقَدِيمَةُ الَّتِي ◀ کهنی که / هَا: الحَضَارَاتُ الَّتِي ◀ تمدن‌هایی که

### ترجمه کلمات

الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي: آثار قدیمی را که / احْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ: انسان آن‌ها را کشف کرد (کرده است) / الْحَضَارَاتُ الَّتِي: تمدن‌هایی که / عَرَفَ: شناخت / مِنْ خِلَالِ: از میان / الْكِتَابَاتِ: دست‌خط‌ها، دست‌نوشته‌ها / التَّقْوِشُ: کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها / الرُّسُومُ: نقاشی‌ها / التَّمَاثِيلُ: مجسمه‌ها، تندیس‌ها / تَوَكَّدَ: تأکید می‌کند / الاهْتِمَامَ: توجه / تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ: راهنمایی می‌کند، (دلالت می‌کند) بر اینکه آن

### واژه‌شناسی

مترادف: احْتَشَفَ = وَجَدَ / عَرَفَ = عَلِمَ / الاهْتِمَامُ = العِنَايَةُ / تَدُلُّ = تَهْدِي = تُرْشِدُ  
متضاد: الْقَدِيمَةُ ≠ الْحَدِيثَةُ، الْجَدِيدَةُ (جدید، نو) / عَرَفَ ≠ جَهَلَ (نشناخت، نادان شد) / تَدُلُّ ≠ تُضِلُّ (گمراه می‌کند)  
مفرد و جمع: الْآثَارُ مفرد ← الأثر / القديم جمع مکثر ← القَدَمَاءُ / الحَضَارَاتُ

وَلَكِنَّ عِبَادَاتِهِ وَشَعَائِرَهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً؛ مِثْلُ تَعَدُّدِ الْأَلِهَةِ وَتَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَ

## تَجَنُّبِ شَرِّهَا.

**ترجمه کامل:** اما عبادت‌ها و مراسم او خرافی بود؛ مانند چند خدایی (تعدد خدایان) و پیشکش کردن قربانی‌ها برای آن‌ها برای کسب خوشنودی آنها و دوری جستن از بدی آن‌ها.

### ترجمه کلمات

**مفرد و جمع:** عبادات ← مفرد / عبادة / الشعائر ← مفرد / الشعيرة / المثل جمع مكثر ← الأمثال / الآلهة ← مفرد / الإله / القرابين ← مفرد / القران / الشر جمع مكثر ← الشرور

**کلمات مشابه:** أشعار: شعرها، شعائر: مراسم

**لَكِنَّ:** ولی / شعائره: مراسم / كانت: بود / تعدد الآلهة: تعدد خدایان، چند خدایی / القرابين: قربانی‌ها / لكسب: برای به دست آوردن، کسب کردن / رضاهها: خوشنودی‌اش / تجنّب شرّها: دوری کردن از بدی‌اش

### نقش کلمات

**لَكِنَّ:** حرف مشبّه بالفعل / ه: مضاف‌الیه / كانت: فعل ناقص / تعدد: مضاف‌الیه / الآلهة: مضاف‌الیه / القرابين: مضاف‌الیه / لها: جار و مجرور / لكسب: جار و مجرور / رضا وها: هر دو مضاف‌الیه / «رضا» و «ها»: هر دو مضاف‌الیه

### واژه‌شناسی

**مترادف:** التّقديم = الإعطاء / الكسب = التّيل = الحصول على / التّجنّب = الإبتعاد عن / الإجتناّب / الشرّ = السّيئة = السّوء  
**متضاد:** التّقديم ≠ الأخذ، الإستلام (گرفتن) / الكسب ≠ الفقد، الإضاعه (از دست دادن) / التّجنّب ≠ التّقرب (نزدیک شدن) / الشرّ ≠ الخیر (خوبی)

## وَأَزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرَّ الْعُصُورِ.

**ترجمه کامل:** و در گذر زمان، این خرافات در دین‌های مردم افزایش یافت.

### ترجمه کلمات

**مفرد و جمع:** الخُرَافَاتُ ← مفرد / الخُرَافَة / أَدْيَانِ ← مفرد / دین / العُصُور ← مفرد / العُصْر

**کلمات مشابه:** المرّ: گذر (گذشتن)، المرّ: تلخ، المرّة: بار (دفعه)

**إزْدَادَتْ:** زیاد شد / هَذِهِ الْخُرَافَاتُ: این خرافه‌ها / فِي أَدْيَانِ النَّاسِ: در دین‌های مردم / عَلَى مَرَّ الْعُصُورِ: در گذر دوره‌ها، عصرها

### نقش کلمات

**إزْدَادَتْ:** فعل / هذیه: فاعل / فِي أَدْيَانِ: جار و مجرور / النَّاسِ: مضاف‌الیه / عَلَى مَرَّ: جار و مجرور / العُصُور: مضاف‌الیه

### واژه‌شناسی

**مترادف:** إزْدَادَتْ = كَثُرَتْ  
**متضاد:** إزْدَادَتْ ≠ قَلَّتْ، نَقَصَتْ (کم شد) / الخُرَافَاتُ ≠ الْحَقَائِقُ (حقیقت‌ها، واقعیته‌ها)

وَلَكِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَتْرُكِ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ؛ فَقَدْ قَالَ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ:

**ترجمه کامل:** ولی خدا - پرپرکت و بلندمرتبه [بادا نام او] - مردم را بر همین حالت رها نساخت؛ پس در کتاب باکرامتش فرموده است:

نقش کلمات

لَكِنَّ: حرف مشبیهة بالفعل / لَمْ يَتْرُكِ: فعل و فاعل / النَّاسُ: مفعول / عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ: جار و مجرور / قَالَ: فعل و فاعل / فِي كِتَابِهِ: جار و مجرور / ه: مضاف الیه / الْكَرِيمِ: صفت

ترجمه کلمات

لَكِنَّ: ولی / لَمْ يَتْرُكِ: رها نکرد، رها نکرده است / النَّاسُ: مردم را / عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ: بر این حالت / قَدْ قَالَ: گفته است / فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ: در کتاب ارزشمندش

فنون ترجمه

حرف «لَمْ» + فعل مضارع = ماضی ساده منفی یا نقلی منفی  
 مثال: لَمْ يَتْرُكْ ◀ رها نکرد، رها نکرده است  
 حرف «قَدْ» + فعل ماضی = ماضی نقلی  
 مثال: قَدْ قَالَ ◀ گفته است، فرموده است

واژه شناسی

مترادف: لَمْ يَتْرُكْ = لَمْ يَهْجُرْ  
 متضاد: يَتْرُكْ ≠ يَهْتَمُّ ب... (توجه می‌کند)  
 مفرد و جمع: الْكِتَابُ ← جمع مکسر الْكُتُبُ

الْقِيَامَةُ: ۳۶

﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾

**ترجمه کامل:** آیا انسان می‌پندارد که بیهوده رها شود؟ (جمله استفهام انکاری است)

نقش کلمات

يَحْسَبُ: فعل / الْإِنْسَانُ: فاعل / أَنْ يُتْرَكَ: فعل مجهول / سُدًى: حال (قید حالت در زبان فارسی)

ترجمه کلمات

أَيَا / يَحْسَبُ: می‌پندارد / أَنْ يُتْرَكَ: که رها شود (فعل مجهول) / سُدًى: بیهوده و پوچ

فنون ترجمه

حرف ناصبه «أَنْ» (به معنی «که») + فعل مضارع = مضارع التزامی  
 مثال: أَنْ يُتْرَكَ ◀ که رها شود

واژه شناسی

مترادف: يَحْسَبُ = يَظُنُّ = يَتَصَوَّرُ / السُّدَى = العَبَثُ، الباطِلُ  
 متضاد: يَحْسَبُ ≠ يَتَأَكَّدُ، يَطْمَئِنُّ (اطمینان دارد) / السُّدَى ≠ الْمُفِيدُ (مفید)

لِذَلِكَ أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَالَّذِينَ الْحَقَّ.

**ترجمه کامل:** به همین خاطر پیامبران را به سوی آن‌ها فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند.

لِيُبَيِّنُوا: تا آشکار کنند / الصِّرَاطَ: راه / الْمُسْتَقِيمَ: راست

ترجمه کلمات

لِذَلِكَ: بنابراین، از این رو / أَرْسَلَ: فرستاد / إِلَيْهِمْ: به سوی آن‌ها /

## نقش کلمات

لِذَلِكَ: جار و مجرور / أُرْسِلَ: فعل و فاعل / إِلَيْهِمْ: جار و مجرور /  
لِيُبَيِّنُوا: فعل و فاعل / الصَّرَاطُ: مفعول / الْمُسْتَقِيم: صفت /  
أَلْحَقَّ: صفت

## فنون ترجمه

حرف ناصبه «لِ» + فعل مضارع = مضارع التزامی

مثال: يُبَيِّنُونَ ◀ آشکار می‌کنند ◀ لِيُبَيِّنُوا ◀ تا آشکار کنند

## واژه‌شناسی

مترادف: يُبَيِّن = يُظْهِرُ / أُرْسِلَ = بَعَثَ (فرستاد)  
متضاد: يُبَيِّنُ ≠ يُخْفِي، يَسْتُرُ، يَكْتُمُ (پنهان می‌کند)  
مفرد و جمع: الأنبياء ← النبيّ مفرد  
اسم فاعل: الْمُسْتَقِيم (از باب استفعال)

## وَقَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَصِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.

**ترجمه کامل:** و قرآن کریم دربارهٔ روش پیامبران (ع) و درگیری آن‌ها با مردمان کافرشان با ما سخن گفته است.

## نقش کلمات

حَدَّثَ: فعل / نا: مفعول / الْقُرْآنُ: فاعل / الْكَرِيمِ: صفت / عَنْ  
سِيرَةِ: جار و مجرور / الْأَنْبِيَاءِ: مضاف‌الیه / صِرَاعِ: معطوف /  
هُمْ: مضاف‌الیه / أَقْوَامِ: مضاف‌الیه / هُم: مضاف‌الیه /  
الْكَافِرِينَ: صفت

## فنون ترجمه

اسم + ضمیر متصل (ه، هما، هم و ...) + اسم دارای «أل» (صفت) =  
(مضاف + مضاف‌الیه + صفت)

این نوع ترکیب را «اضافی - وصفی» گویند که بین موصوف و صفت، مضاف‌الیه می‌آید و در ترجمهٔ زبان فارسی، اول «صفت»، بعد «مضاف‌الیه» ترجمه می‌شود. در «أقوامهم» ال کافرین» به جای اینکه گفته شود «گروه‌هایشان کافر» گفته می‌شود: «گروه‌های کافرشان».

**نوجه** صفت در زبان فارسی مفرد ترجمه می‌شود هر چند که در زبان عربی جمع باشد. در اینجا «کافرین» با اینکه جمع است به صورت مفرد ترجمه شد؛ زیرا نقش آن صفت است.

## ترجمه کلمات

قَدْ حَدَّثَنَا: با ما سخن گفته است / عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ: دربارهٔ سرگذشت (روش و کردار) پیامبران / صِرَاعِهِمْ: کشمکش آن‌ها / مَعَ أَقْوَامِهِمْ الْكَافِرِينَ: با مردمان کافرشان

## واژه‌شناسی

مترادف: قَدْ حَدَّثَنَا = قَدْ تَكَلَّمَ مَعْنَا / السَّيْرَةُ = السَّلُوكُ / الصَّرَاعُ = النَّزَاعُ / الْأَنْبِيَاءُ = الرُّسُلُ  
متضاد: قَدْ حَدَّثَ ≠ قَدْ سَكَتَ، قَدْ صَمَّتْ (ساکت شد، سکوت کرد) /  
الصَّرَاعُ ≠ السَّلْمُ، السَّلَام (صلح، آشتی)  
مفرد و جمع: الأَقْوَامُ ← القوم  
اسم فاعل: الْكَافِرِينَ  
کلمات مشابه: حَدَّثَ: سخن گفت، أَحَدَّثَ: به وجود آورد / الصَّرَاعُ: درگیری (نزاع)، الصَّدَاعُ: سردرد

## وَلَنَذَكُرَنَّ مَثَلًا لِّإِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

**ترجمه کامل:** باید یاد کنیم به عنوان مثال، [داستان] ابراهیم خلیل (ع) را که تلاش کرد قومش را از پرستش بت‌ها نجات دهد.

### نقش کلمات

**لَنَذَكُرَنَّ:** فعل و فاعل / **إِبْرَاهِيمَ:** مفعول برای فعل «نَذَكُرَنَّ» /  
**الْخَلِيلِ:** صفت برای ابراهیم (إِبْرَاهِيمَ: معرفه به «عَلَم» / الخلیل:  
 معرفه به «أَل») / **حَاوَلَ:** فعل و فاعل / **أَنْ يُنْقِذَ:** فعل و فاعل /  
**قَوْمَهُ:** مفعول / **ه:** مضاف‌الیه / **مِنْ عِبَادَةِ:** جار و مجرور /  
**الْأَصْنَامِ:** مضاف‌الیه

### ترجمه کلمات

**وَلَنَذَكُرَنَّ:** باید یاد کنیم / **مَثَلًا:** مثالی را، به عنوان مثال /  
**إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ الَّذِي:** ابراهیم خلیل را که / **حَاوَلَ:** تلاش کرد /  
**أَنْ يُنْقِذَ:** که نجات دهد / **قَوْمَهُ:** قومش را / **مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ:**  
 از عبادت بت‌ها

### واژه‌شناسی

**مترادف:** الْخَلِيلِ = الصَّدِيقُ = الْحَبِيبُ = الصَّاحِبُ / حَاوَلَ = سَعَى =  
 اجْتَهَدَ = جَدَّ  
**متضاد:** نَذَكُرَنَّ ≠ نَسِیَ (فراموش می‌کنیم) / الْخَلِيلِ ≠ الْعَدُوُّ، العادي  
 (دشمن) / حَاوَلَ ≠ وَهَنَ (سست شد، ترک و رها کرد)  
**مفرد و جمع:** الْأَصْنَامِ ← مَفْرَدٌ الصَّنَمِ  
**کلمات مشابه:** العِبَادَةُ، عِبَادَت، العِبَاد: بندگان

### فنون ترجمه

«لِ» امر (به معنای «باید») + فعل مضارع (۶ صیغه غایب و ۲ صیغه  
 متکلم) = مضارع التزامی  
**مثال** وَلَنَذَكُرَنَّ ← باید یاد کنیم  
**نوجه** معمولاً حرف «لِ» بعد از حرف‌هایی مانند «و، فَ»  
 ساکن می‌شود.

## فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحِيدًا،

**ترجمه کامل:** و در یکی از عیدها، هنگامی که قوم او از شهرشان خارج شدند، ابراهیم (ع) تنها ماند

### نقش کلمات

**فِي أَحَدِ:** جار و مجرور / **الْأَعْيَادِ:** مضاف‌الیه / **لَمَّا:** ظرف (قید زمان) /  
**خَرَجَ:** فعل / **قَوْمَهُ:** فاعل / **ه:** مضاف‌الیه / **مِنْ مَدِينَتِهِ:** جار و مجرور /  
**ه:** مضاف‌الیه / **بَقِيَ:** فعل / **إِبْرَاهِيمَ:** فاعل / **وَحِيدًا:** حال (قید حالت  
 در زبان فارسی)

### ترجمه کلمات

**فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ:** در یکی از عیدها / **لَمَّا:** زمانی که، هنگامی که /  
**خَرَجَ قَوْمَهُ:** قومش خارج شدند / **مِنْ مَدِينَتِهِمْ:** از شهرشان /  
**بَقِيَ:** باقی ماند / **وَحِيدًا:** تنها

### واژه‌شناسی

**مترادف:** بَقِيَ = اسْتَقَرَّ / لَمَّا = عِنْدَمَا  
**متضاد:** بَقِيَ ≠ ذَهَبَ (رفت) / خَرَجَ ≠ دَخَلَ (داخل شد)  
**مفرد و جمع:** الْأَعْيَادِ ← مَفْرَدٌ الْعِيدِ  
**کلمات مشابه:** خَرَجَ، خارج شد، تَخَرَّجَ، فارغ‌التحصیل شد

حَمَلَ فَأَسَأً، وَكَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ، ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِهِ وَتَرَكَ الْمَعْبَدَ.

**ترجمه کامل:** و تبری را برداشت و همه بت‌ها را به جز بت بزرگ در معبد، شکست. سپس تبر را روی شانه (دوش) او آویزان کرد و معبد را ترک نمود.

اسم مکان: الْمَعْبَد

کلمات مشابه: حَمَلَ: حمل کرد (برد)، حَمَلٌ: تحمیل کرد / الْفَأْسُ: تبر، الرَّأْسُ: سر / عَلَّقَ: آویخت، لَعَقَ: لیسید

### نقش کلمات

حَمَلَ: فعل و فاعل / فَأَسَأً: مفعول / كَسَّرَ: فعل و فاعل / جَمِيعَ: مفعول / الْأَصْنَامِ: مضاف الیه / فِي الْمَعْبَدِ: جار و مجرور / إِلَّا: ادات استثناء / الصَّنَمَ: مستثنی (با اسلوب استثناء در درس سوم آشنای شویم) / الْكَبِيرَ: صفت / عَلَّقَ: فعل و فاعل / الْفَأْسَ: مفعول / عَلَى كَتِفِهِ: جار و مجرور / ه: مضاف الیه / تَرَكَ: فعل و فاعل / الْمَعْبَدَ: مفعول

### ترجمه کلمات

فَحَمَلَ فَأَسَأً: پس تبری را حمل کرد (برداشت) / كَسَّرَ: شکست / جَمِيعَ: همه / الْأَصْنَامِ: بت‌ها / الْمَعْبَدَ: پرستشگاه (عبادتگاه) / إِلَّا: به جز / الصَّنَمَ الْكَبِيرَ: بت بزرگ / ثُمَّ: سپس / عَلَّقَ: آویخت / عَلَى كَتِفِهِ: بر شانه‌اش / تَرَكَ: رها کرد

### واژه شناسی

مترادف: تَرَكَ = هَجَرَ / كَبِير = عَظِيم  
متضاد: كَبِير ≠ صَغِير (کوچک)  
مفرد و جمع: الْفَأْسُ ← جمع مكثر ← الْفُؤُوسُ / الْمَعْبَد ← جمع مكثر ← الْمَعَابِدُ / الْكَبِير ← جمع مكثر ← الْكِبَارُ / كَتِف ← جمع مكثر ← أَكْتاف

وَلَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً،

**ترجمه کامل:** و وقتی که مردم برگشتند، بت‌هایشان را شکسته دیدند.

متضاد: رَجَعَ ≠ ذَهَبَ، رَجَعَ إِلَى (رفت)

اسم مفعول: مُكْسَرَةً (از باب تفعیل)

### نقش کلمات

لَمَّا: ظرف / رَجَعَ: فعل / النَّاسُ: فاعل / شَاهَدُوا: فعل و فاعل / أَصْنَامَ: مفعول / هُم: مضاف الیه / مُكْسَرَةً: حال (قید حالت در زبان فارسی)

### ترجمه کلمات

لَمَّا: زمانی که، هنگامی که / رَجَعَ: برگشت / النَّاسُ: مردم / شَاهَدُوا: دیدند، مشاهده کردند / أَصْنَامَهُمْ: بت‌هایشان را / مُكْسَرَةً: شکسته شده

### واژه شناسی

مترادف: رَجَعَ = عَادَ / شَاهَدَ = رَأَى = زَارَ = نَظَرَ

و ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ الْفَاعِلُ، فَأَحْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ وَ سَأَلُوهُ:

**ترجمه کامل:** و گمان کردند که ابراهیم (ع) همان انجام‌دهنده این کار است، پس او را برای محاکمه حاضر کردند و از او پرسیدند:

### نقش کلمات

ظَنُّوا: فعل و فاعل / أَنَّ: حرف مشبّهه بالفعل / أَحْضَرُوهُ: فعل و فاعل / هُوَ الْفَاعِلُ: مفعول / لِلْمُحَاكَمَةِ: جار و مجرور / سَأَلُوهُ: فعل و فاعل / ه: مفعول

### نقش کلمات

فعل «سَأَلَ - يَسْأَلُ» متعدی است که مفعول آن با حرف اضافه «از» ترجمه می‌شود:

مثال: سَأَلُوهُ ◀ از او پرسیدند

### ترجمه کلمات

ظَنُّوا: گمان کردند / أَنَّ: که / الْفَاعِلُ: انجام‌دهنده / فَأَحْضَرُوهُ: او را حاضر کردند (آوردند) / لِلْمُحَاكَمَةِ: برای محاکمه / سَأَلُوهُ: از او پرسیدند

### واژه شناسی

مترادف: أَحْضَرَ = جَلَبَ  
متضاد: ظَنُّوا ≠ تَأَكَّدُوا، إِطْمَأَنَّنُوا (مطمئن شد) / أَحْضَرَ ≠ أَرْسَلَ (فرستاد)

اسم فاعل: الْفَاعِلُ

الأنبياء: ۶۲

﴿... أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ﴾

ترجمه کامل: آیا تو این [کار] را با خدایانمان انجام دادی، ای ابراهیم؟

متضاد: فَعَلْتُ بِإِمْتِنَانٍ (خودداری کردی)

ترجمه کلمات

أ: آیا / أَنْتَ فَعَلْتَ: تو انجام دادی / هَذَا: این را / بِالْهَيْتِنَا: با خدایان ما

نقش کلمات

أَنْتَ: مبتدا / فَعَلْتَ: فعل و فاعل، خبر برای «أَنْتَ» / هَذَا: مفعول / بِالْهَيْتَةِ: جار و مجرور / نَا: مضاف الیه

واژه شناسی

مترادف: فَعَلْتُ = عَمِلْتُ

﴿فَأَجَابَهُمْ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟! إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ﴾

ترجمه کامل: پس به آن‌ها پاسخ داد: چرا از من می‌پرسید؟! از بت بزرگ سؤال کنید.

نقش کلمات

أَجَابَ: فعل و فاعل / هُمْ: مفعول / لِمَ: جار و مجرور / تَسْأَلُونَنِي: فعل و فاعل («ن» دومی وقایه، وقتی فعلی به ضمیر «ی» متصل می‌شود، «ن» وقایه میان فعل و ضمیر واقع می‌شود.) / ي: مفعول / إِسْأَلُوا: فعل و فاعل / الصَّنَمَ: مفعول / الْكَبِيرَ: صفت

ترجمه کلمات

أَجَابَهُمْ: به آن‌ها پاسخ داد / لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟: چرا از من می‌پرسید؟ / إِسْأَلُوا: پرسید / الصَّنَمَ الْكَبِيرَ: از بت بزرگ

واژه شناسی

متضاد: أَجَابَ بِإِمْتِنَانٍ (سؤال کرد)

﴿بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ﴾

ترجمه کامل: مردم شروع به پیچ کردن کردند: «قطعاً بت سخن نمی‌گوید»

نقش کلمات

يَتَهَامَسُونَ: فعل و فاعل / إِنَّ: حرف مشبّه بالفعل / لَا يَتَكَلَّمُ: فعل و فاعل

ترجمه کلمات

بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: قوم شروع به پیچ کردن کردند / إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ: بی‌شک بت سخن نمی‌گوید

فنون ترجمه

فعل مضارع بعد از «بَدَأَ» (که جزء افعال شروع است) معمولاً به شکل مصدر ترجمه می‌شود.

واژه شناسی

مترادف: يَتَكَلَّمُ = يُحَدِّثُ، يَكَلِّمُ

متضاد: بَدَأَ بِإِمْتِنَانٍ (خاتمه داد، تمام کرد)

مثال: بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ ◀ مردم شروع به پیچ کردن کردند.

# آموزش قواعد

## حروف مشبّهه بالفعل و «لا»ی نفی جنس

**مثال** ﴿... قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ...﴾

گفت: بی شک خداوند آزمایش کننده شما به وسیله رودخانه‌ای است.

**توجه** اگر «إِنَّ» بعد از فعل طلب (امر و نهی) بیاید، معمولاً معنای «زیرا» می‌دهد.

**مثال** ﴿وَلَا يَخْرُجُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا...﴾

گفتارشان تو را نباید ناراحت کند؛ زیرا عزت (ارجمندی)، همه از آن خداست.

### ۲ أَنْ

● به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می‌دهد که همان حرف ربط زبان فارسی است و غالباً در وسط جمله می‌آید.

**مثال** ﴿... قَالَ أَغْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

**مثال** وَأَنْتَ تَعْلَمِينَ أَنَّ رَجُلِي تُؤْمِنِي. تو می‌دانی که پایم درد می‌کند.

**مثال** وَلَا أَظُنُّ أَنَّ هُنَاكَ كُتُبًا مُكْرَرَةً.

و گمان نمی‌کنم که کتاب‌های تکراری وجود دارد (وجود داشته باشد).

**توجه** معمولاً «لَأَنَّ» به معنای «زیرا، برای اینکه» است و برای بیان علت به کار می‌رود.

**مثال** لِمَاذَا مَا سَأَفُوتُ بِالطَّائِرَةِ؟ لِأَنَّ بِطَاقَةَ الطَّائِرَةِ غَالِيَةً.

چرا با هواپیما سفر نکردی؟ زیرا بلیت هواپیما گران است.

**مثال** لِمَاذَا يَبْكِي الْوَلَدُ؟ لِأَنَّهُ جَائِعٌ.

کودک برای چه گریه می‌کند؟ زیرا او گرسنه است.

### ۳ كَأَنَّ

● به معنای «گویی» و «مانند» است که «گویی» برای «گمان» و

تصوّر» و «مانند» برای «تشبیه» به کار می‌رود.

**مثال** كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ﴿ آنان مانند یاقوت و مرجان‌اند.

## حروف مشبّهه بالفعل

به حروف زیر، حروف مشبّهه بالفعل گفته می‌شود:

۱. إِنَّ ۲. أَنَّ ۳. كَأَنَّ

۴. لَكِنَّ ۵. لَيْتَ ۶. لَعَلَّ

این حروف دارای معانی مختلفی هستند که در ابتدای جمله اسمیه آمده و در آن جمله تغییر ایجاد می‌کنند.

**مثال** اَلتَّذَيُّنُ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ. ← اِنَّ التَّذَيُّنَ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ. دینداری در انسان فطری است. ← بی‌گمان دینداری در انسان فطری است.

همان‌طور که در مثال بالا مشاهده می‌کنید، جمله اول جمله‌ای اسمیه است که از مبتدا (التَّذَيُّنُ) و خبر (فِطْرِيٌّ) تشکیل شده است. اما در جمله دوم «إِنَّ» در ابتدای جمله اسمیه آمده و در حرکت آخر کلمه «التَّذَيُّنُ» تغییر ایجاد کرده است. همچنین ترجمه آن نیز با تأکید «بی‌گمان» تغییر کرده است. معنا و کاربرد هر یک از این حروف به شرح زیر است:

### ۱) إِنَّ

● به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که، بی‌گمان و ...» است و جمله پس از خود را تأکید می‌کند و غالباً در اول جمله و بعد از «قَالَ» و مشتقات آن می‌آید. اگر در جمله‌ای [به غیر از آیات و احادیث] ترجمه نشود، اشکالی ندارد.

**مثال** ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾

بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

**مثال** ﴿... وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَهْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾

و بی‌گمان خدا بر یاری آن‌ها تواناست.

**مثال** ﴿إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا...﴾

همانا (به درستی که) ما آن را قرآنی [به زبان] عربی قرار دادیم.

(در ابتدای جمله: إِنَّا = إِنَّ + نَا)

## فن ترجمه

فعل مضارع در جمله دارای «لَيْتَ / يَا لَيْتَ» و «لَعَلَّ» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.

**مثال** يَا لَيْتِي أَذْهَبُ مَرَّةً أُخْرَى. ای کاش من بار دیگر بروم.

**مثال** لَعَلَّنِي أَصَافِرُ إِلَى مَدِينَةِ إِصْفَهَانَ غَدًا.

شاید من فردا به شهر اصفهان مسافرت کنم.

## خلاصه مفاهیم حروف مشبّهه بالفعل:

الف) «إِنَّ» جملهٔ پس از خود را تأکید می‌کند و به معنای «قطعاً، بی‌شک، بی‌گمان و همانا...» است و معمولاً در اول جمله می‌آید.  
ب) «أَنَّ» به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می‌دهد که همان حرف ربط فارسی است و معمولاً در وسط جمله می‌آید.  
ج) «كَأَنَّ» به معنای «مانند» برای تشبیه و «گوی» برای گمان و تصوّر به‌کار می‌رود.

د) «لَيْتَ» به معنی «ولی» و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جملهٔ قبل از خودش است.

ه) «لَيْتَ» به معنای «کاش» و بیانگر آرزوست و به صورت «یا لیت» هم به‌کار می‌رود. برای آرزویی که محال است و به‌دست آوردنش سخت است.

و) «لَعَلَّ» به معنای «شاید»، «امید است» می‌باشد و در مورد امری ممکن یا امید به تحقق امر ممکن به‌کار می‌رود.

**نکته** حرف آخر حروف مشبّهه بالفعل تشدید دارد (إِنَّ، أُنَّ، لَكِنَّ، لَعَلَّ) به‌جز «لَيْتَ» با حروف دیگر اشتباه نشود.

## لا(ی) نفی جنس

● انواع «لا» و معنای آن‌ها در جمله به شرح زیر است:

## ۱ حرف جواب

● «لا» به معنای «نه» در پاسخ به «هل»، «أ» است:

**مثال** أأنت من تبریز؟ لا، أنا من مازندران.

آیا تو از [اهل] تبریز هستی؟ نه، من از مازندران هستم.

## ۲ حرف نفی مضارع

● بر سر فعل مضارع می‌آید، به صورت مضارع اخباری منفی، ترجمه می‌گردد و تغییری در آخر فعل ایجاد نمی‌کند.

**مثال** كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ.

گوی خشنود ساختن همهٔ مردم، هدفی است که به‌دست آورده نمی‌شود.  
﴿... كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ﴾ گویی آن‌ها، ساختمانی استوارند.

## ۴ لَكِنَّ

● به معنای «ولی» است و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جملهٔ قبل از خودش به کار می‌رود.

**مثال** ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَنَوَ فَضِّلَ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾  
بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

**مثال** ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبُعْثِ وَلَكِنِّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

و این، روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.

**مثال** حَضَرَ الشِّيَاحَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ؛ لَكِنَّ الدَّلِيلَ لَمْ يَحْضُرْ.

گردشگران در سالن فرودگاه حاضر شدند، ولی راهنما حاضر نشد.

## ۵ لَيْتَ

● به معنای «کاش» و بیانگر آرزوست و به صورت «یا لیت: ای کاش» نیز به‌کار می‌رود.

**توجه** اگر «یا» متکلم» به «لیت» وصل شود، به صورت «لَيْتِنِي» (همراه با «ن» و قایه) نوشته می‌شود.

**مثال** ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾

و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم!

**مثال** قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ...﴿

[به او] گفته شد: وارد بهشت شو؛ گفت: ای کاش قوم من بدانند.

**مثال** تَمَّتْ الْمَزَارِعُ؛ «لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا».

کشاورز آرزو کرد: «کاش باران بسیار ببارد.»

## ۶ لَعَلَّ

● به معنای «شاید» و «امید است» می‌باشد و در مورد امری ممکن یا امید به تحقق امری، به‌کار می‌رود.

**مثال** ﴿إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ﴾

بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید.

**مثال** ﴿لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾

نمی‌دانی، شاید خدا پس از آن، پیشامدی پدید آورد.

**مثال** یَكْتُبُ: می نویسد ← لَا یَكْتُبُ: نمی نویسد

**مثال** یَكْتُبُونَ: می نویسند ← لَا یَكْتُبُونَ: نمی نویسند

**مثال** ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

### ۳ حرف نهی مضارع

۱- حرف نهی مضارع پیش از صیغه‌های مخاطب (دوم شخص):

● «لا» بر سر فعل مضارع از صیغه‌های مخاطب (دوم شخص) می‌آید و به صورت نهی (امر منفی) ترجمه می‌شود و آخر فعل مضارع را تغییر می‌دهد («ضمه ُ» را به «سکون ِ» و نون آخر فعل مضارع (به جز صیغه‌های جمع مؤنث) را حذف می‌کند.

**مثال** تَكْتُبُ: می نویسی ← لَا تَكْتُبُ: ننویس

**مثال** تَكْتُبُونَ: می نویسید ← لَا تَكْتُبُوا: ننویسید

۲- حرف نهی مضارع پیش از صیغه‌های غایب (سوم شخص) و متکلم (اول شخص):

● اگر «لا» ی نهی بر سر شش صیغه غایب (سوم شخص) و دو صیغه متکلم (اول شخص) بیاید، معنای «نباید» می‌دهد و فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

**مثال** یَكْتُبُ: می نویسد ← لَا یَكْتُبُ: نباید بنویسد (ننویسد)

**مثال** یَكْتُبُونَ: می نویسند ← لَا یَكْتُبُوا: نباید بنویسند

**مثال** تَكْتُبُ: می نویسیم ← لَا تَكْتُبُ: نباید بنویسیم

### یادداشت:

## نکته

اگر بعد از منادی (یا/ أَيْهَا / أَيْتَهَا) یا («رَبَّ»: [ای] پروردگارم) فعل مضارع با حرف «لا» باشد، معمولاً حرف «نهی» است.

**مثال** ﴿... رَبَّنَا وَ لَا تُحْمَلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ...﴾ [ای] پروردگار

ما، آنچه را هیچ توانی نسبت به آن نداریم بر ما تحمیل نکن.

**مثال** أَيْتَهَا النَّسَاءُ، لَا تُرْجَعْنَ إِلَى السُّوقِ فَإِنَّ الْمَطَرَ شَدِيدٌ جَدًّا.

ای زنان، به بازار باز نگردید زیرا باران بسیار زیاد است.

### ۴ حرف نفی جنس

● به معنای «هیچ ... نیست»، بدون فاصله بر سر اسم می‌آید و آن اسم «آل» یا «تئوین ِ» نمی‌گیرد، بلکه غالباً حرکت آخر فتحه (ت) است و به صورت «ی» نکره ترجمه می‌گردد.

#### ● ساختار:

«لا» ی نفی جنس = هیچ + اسم نکره + نیست

**مثال** لَا كُنْزَ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ.

هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست.

**مثال** لَا فَقْرٌ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ.

هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست.

**مثال** ﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾ جز آنچه به ما آموخته‌ای، هیچ

دانشی نداریم. (برای ما نیست).

# تمرین های کتاب درسی

## التمرین الأول

أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الذُّرَى تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ [ کدام کلمه از کلمات واژه‌نامه درس مناسب توضیحات زیر است؟ ]

- ١ آلة ذات يدٍ من الخشب و سبَّ عريضةٍ من الحديد يُقَطَّعُ بِهَا.
- ٢ تمثالٌ من حجرٍ أو خشبٍ أو حديدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ.
- ٣ عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجَذَعِ.
- ٤ التَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ الْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ.
- ٥ إِنَّهُمْ بَدُّوا يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ.

پاسخ: ١ الفأس: تبر ٢ الصنم: بت ٣ الكيف: شانه ٤ الخنيف: یکتا پرست ٥ بدؤوا يتها مسون: شروع به پیچ کردن کردند

## التمرین الثاني

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْحَرْفَ الْمُشَبَّهَ بِالْفِعْلِ وَ لَا التَّائِيَةَ لِلْجِنْسِ. [ عبارات زیر را ترجمه کن سپس حرف مشبّه بالفعل و لای نفی جنس را مشخص کن. ]

١ ﴿ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴾ (یس: ٢٦ و ٢٧)

[ به او گفته شد: وارد بهشت شو؛ گفت: ای کاش قوم من بدانند که پروردگارم [چگونه] مرا آمرزید و مرا از گرامی شدگان قرار داد. ]

٢ ﴿ ... لَا تَخْزَنُ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ... ﴾ (التَّوْبَةُ: ٤٠) ناراحت نباش زیرا خدا با ماست.

٣ ﴿ ... لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ... ﴾ (الصَّافَات: ٣٥) هیچ معبودی جز خدا نیست.

٤ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ. (رَسُولُ اللَّهِ (ص)) کسی که هیچ [وفای به] عهدی ندارد، هیچ دینی ندارد.

٥ إِنَّ مِنْ السَّنَةِ أَنْ يُخْرِجَ الرَّجُلُ مَعَ ضَيْفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ. (رَسُولُ اللَّهِ (ص)) از سنت [پیامبر] است که شخص همراه مهمانش تا در خانه برود.

پاسخ: ١ لیت: حرف مشبّه بالفعل ٢ إن: حرف مشبّه بالفعل ٣ لا: لای نفی جنس ٤ هر دو «لا»: لای نفی جنس ٥ إن: حرف

مشبّه بالفعل

## التمرین الثالث

الف) اقْرَأِ الشَّعْرَ الْمُنْسُوبَ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ (ع)، ثُمَّ عَيِّنِ تَرْجِمَةَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ. [شعر منسوب (نسبت داده شده) به امام علی (ع) را بخوان سپس ترجمه کلماتی را که زیرشان خط است، مشخص کن.]

إِنَّمَا التَّاسُ لِأُمِّ وَ لِأَبِّ  
از یک پدر

أُمُّ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ  
مس

أَيُّهَا الْفَاحِشُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ  
به دودمان

هَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ فِطَّةٍ  
آنان را می‌بینی (می‌پنداری)

# نمونه سوالات نهایی درس اول

واژه‌شناسی	ردیف
	الف
	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:
دی ۱۴۰۳	۱- لا كُنْزَ أَغْنَىٰ مِنَ الْقَنَاعَةِ.
شهریور ۱۴۰۳	۲- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ الصَّنَمِ.
خرداد ۱۴۰۳	۳- أَحْضَرَ الْقَوْمَ إِبْرَاهِيمَ (ع).
دی ۱۴۰۲	۴- الْأُمُّ كَانَتْ تَحْمِي طَائِرًا مَجْرُوحًا.
شهریور ۱۴۰۲	۵- إِلَهِي! اجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي فِي الْحَيَاةِ.
خرداد خارج ۱۴۰۲	۶- التَّمَاتِيلُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.
دی خارج ۱۴۰۱	۷- الْكِتَابَاتُ وَ النَّقُوشُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.
دی ۱۴۰۱	۸- قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ عَنِ صِرَاعِ الْأَنْبِيَاءِ مَعَ الْكَافِرِينَ.
خرداد خارج ۱۴۰۰	۹- ﴿أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾
خرداد خارج ۱۴۰۱	۱۰- ﴿... كَانَهُمْ بَنِيَانٌ مَّرْصُوصٌ﴾
خرداد و دی ۱۴۰۰ - شهریور ۹۸ - شهریور خارج ۹۸	۱۱- عِبَادَاتُهُ وَ شَعَائِرُهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً.
دی خارج ۱۴۰۰ - خرداد خارج ۱۴۰۰	۱۲- ﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾
خرداد ۹۹	۱۳- إِنَّ الْعَصَبَ مَفْسُدَةٌ.
خرداد خارج ۹۹	۱۴- عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ.
شهریور ۹۹	۱۵- كَسَرَ إِبْرَاهِيمَ (ع) جَمِيعَ الْأَصْنَامِ.
دی خارج ۹۹ - دی خارج ۹۸	۱۶- اِمْلَأِ الصَّدْرَ انْشِرَاحًا.
دی خارج ۱۴۰۰ - خرداد ۹۸	۱۷- اَنْقَدَ إِبْرَاهِيمَ (ع) قَوْمُهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.
خرداد خارج ۹۸	۱۸- لَا يَتْرِكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُدًى.
دی ۹۸	۱۹- اَنْقَدَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ (ع) مِنَ التَّارِ.
دی ۹۷	۲۰- عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِهِ.
شهریور ۱۴۰۰	۲۱- قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ عَنِ سِيَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ.

ب		عَيِّنِ الْمُتَضَادَّ وَ الْمُتَرَادِفَ:	
دی ۱۴۰۳	۲۲- اَنَا وَاثِقٌ فِي حَيَاتِي بِأَنَّ السَّلَامَ لَا يُسَبِّبُ الْعَدَاوَةَ بَيْنَ النَّاسِ.	الصَّرَاعُ ≠	.....
خرداد ۱۴۰۲	۲۳- الْكَتِفُ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَتَّعُ أَعْلَى الْجِدْعِ.	أَسْفَلُ ≠	.....
دی ۱۴۰۲ - شهریور ۹۹	۲۴- الظُّهُور - الْحَنِيف - النَّزَاع - الْمُتَوَرِّع - الْمُؤَحَّد - السَّلْم (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)	(الف) (..... = .....)	(ب) (..... ≠ .....)
دی ۱۴۰۱ - خرداد خارج ۱۴۰۰ - دی خارج ۱۴۰۰	۲۵- نَصْرٌ - السَّلْمٌ - أَعَانٌ - الصَّرَاعُ - مَفْسَدَةٌ (كَلِمَةٌ زَائِدَةٌ)	(الف) (..... = .....)	(ب) (..... ≠ .....)
شهریور ۱۴۰۱	۲۶- الْخَيْرُ - الْعَضْبُ - الشَّرُّ - الْحَبِيبُ - الْمَفْسَدَةُ - الصَّدِيقُ (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)	(الف) (..... = .....)	(ب) (..... ≠ .....)
آذر ۱۴۰۱	۲۷- الصَّرَاعُ - الدَّارُ - الفَّلَاحُ - المَزَارِعُ - السَّلْمُ - المَزَارِعُ (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)	(الف) (..... = .....)	(ب) (..... ≠ .....)
ج		عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى:	
خرداد ۱۴۰۳	۲۸- (۱) اللُّحُومُ (۲) العِظَامُ (۳) الأَعْيُنُ (۴) الخُطُوطُ		
دی ۱۴۰۲	۲۹- (۱) الرِّجْلُ (۲) الإِمْرَأَةُ (۳) الرِّأْسُ (۴) الكَيْفُ		
خرداد خارج ۱۴۰۲	۳۰- (۱) الأَلْحَدِيدُ (۲) النُّحَاسُ (۳) الرِّجَاجُ (۴) الذَّهَبُ		
شهریور ۱۴۰۰	۳۱- (۱) التُّقُوشُ (۲) الرُّسُومُ (۳) الكِتَابَاتُ (۴) الأَقْوَامُ آذر ۱۴۰۱ - شهریور ۱۴۰۰		
دی ۱۴۰۰	۳۲- (۱) الفِصَّةُ (۲) الطَّيْنَةُ (۳) الذَّهَبُ (۴) النُّحَاسُ آذر ۱۴۰۱ - دی ۱۴۰۰		
خرداد خارج ۹۹	۳۳- (۱) الفِصَّةُ (۲) النُّحَاسُ (۳) الذَّهَبُ (۴) الصَّنِيفُ		
د		أَكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَاتِ:	
دی ۱۴۰۳	۳۴- جَمْعُ كَلِمَةِ «الْأَنْشُودَةُ»: .....		
مرداد ۱۴۰۳	۳۵- جَمْعُ كَلِمَةِ «الْفَرِيْسَةُ»: .....		
خرداد ۱۴۰۰	۳۶- الفَقِيرُ «جمع»: .....		
خرداد ۱۴۰۱	۳۷- الصَّنَمُ «جمع»: .....		
خرداد خارج ۱۴۰۰	۳۸- خُدُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَ لَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كَوْنُوا نَقَادَ الْكَلَامِ.		
دی خارج ۹۹	۳۹- كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ (ع) جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبِدِ.		
آذر ۱۴۰۱ - دی ۹۸	۴۰- عَلَّقَ الْفَأْسُ عَلَى كَتِفِ الصَّنَمِ.		
دی خارج ۱۴۰۰	۴۱- عَلَّقَ الْفَأْسُ عَلَى كَتِفِهِ.		
خرداد خارج ۱۴۰۲	۴۲- حَمَلَ النَّاسُ الْقَرَابِينَ عَلَى كَتِفِهِمْ لِيُقَدِّمُوها إِلَى الْأَلَهَةِ.		

## 5. انتخابِ الجوابِ الصَّحیحِ:

خرداد ۹۹ - آذر ۱۴۰۱	۴۳- جمع «العظم»:	(۱) العظام ( )	(۲) العظماء ( )	(۳) الأعظم ( )	
شهریور ۹۹	۴۴- مفرد «العصور»:	(۱) العصر ( )	(۲) العصرة ( )	(۳) العصیر ( )	
9. انتخابِ الكلمةِ المُناسبةِ للتوضیحاتِ التالیة:					
خرداد ۱۴۰۳	۴۵- شُحْصُ لا یَقُومُ بِإِداءِ واجباتِهِ.	(۱) الخنیف ( )	(۲) المُصلِح ( )	(۳) الكسول ( )	
دی ۱۴۰۲	۴۶- یَكُونُ بِإِفاءِئِدَةٍ.	(۱) الحظ ( )	(۲) الداء ( )	(۳) الصَّحَّة ( )	(۴) السُدی ( )
خرداد ۹۹	۴۷- تَمَثَّالٌ مِنَ الحَجَرِ أَوْ الحَشَبِ أَوْ الحَدِیدِ یُعَبَّدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ.	(۱) الفأس ( )	(۲) الصنم ( )	(۳) التَّجَنُّب ( )	

## ترجمه

## ز. تَرْجِمِ الآیَاتِ وَ العِبَارَاتِ إِلَى الفَارسیَّةِ:

ترجمه‌های مربوط به عبارات «متن درس»

شهریور ۱۴۰۳	۴۸- كَانِ الْإِنْسَانُ یَعْرِفُ الْحَضَارَاتِ مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَ التَّقْوِشِ.
خرداد ۱۴۰۳	۴۹- لَا حَضَارَةَ إِلَّا وَ فِیْهَا شَعَائِرُ دِینِیَّةٌ.
دی ۱۴۰۲	۵۰- عِنْدَمَا یَزِجُ النَّاسُ یُشَاهِدُونَ أَصْنَامَهُمُ الْمَكْسُورَةَ.
شهریور ۱۴۰۲	۵۱- لَمَّا شَاهَدَ النَّاسُ أَصْنَامَهُمُ الْمَكْسُورَةَ، أَحْضَرُوا إِبْرَاهِیمَ (ع) لِلْمَحَاكِمَةِ.
خرداد ۱۴۰۲ - دی ۱۴۰۰ - شهریور ۹۹	۵۲- قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِیمُ عَنِ سِیرَةِ الْأَنْبِیَاءِ (ع) وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِینَ.
دی ۱۴۰۱	۵۳- الْكِتَابَاتُ وَ التَّقْوِشُ تَدُلُّ عَلَی أَنَّ الدِّینَ فِطْرِیٌّ فِی وُجُودِ الْإِنْسَانِ.
دی خارج ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۰	۵۴- ﴿ وَ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّینِ حَنِیْفًا ﴾
خرداد و دی ۱۴۰۰	۵۵- ﴿ ... أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا یَا إِبْرَاهِیمَ ﴾
دی خارج ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۰ - شهریور ۹۹ - دی ۹۷	۵۶- ﴿ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ ﴾
دی خارج ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۰	۵۷- لَا شَعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِینٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.
دی خارج ۱۴۰۰ - خرداد خارج ۱۴۰۰	۵۸- كَانِ تَقْدِیمُ الْقَرَابِینِ لِلْأَصْنَامِ لِتَجَنُّبِ شَرِّهَا.
دی خارج ۱۴۰۰ - شهریور ۱۴۰۰ - خرداد و شهریور ۹۹	۵۹- ﴿ أَلْیَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ یُتْرَكَ سُدًى ﴾
شهریور ۱۴۰۰	۶۰- الْآثَارُ الْقَدِیمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِاللِّدِّینِ.
دی خارج ۱۴۰۰ - شهریور ۱۴۰۰	۶۱- فِی أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِینَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِیمُ (ع) وَحِیدًا.
آذر ۱۴۰۱ - دی ۱۴۰۰	۶۲- إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِی أَدیَانِ النَّاسِ عَلَی مَرِّ الْعُصُورِ.

آذر ۱۴۰۱ - خرداد ۱۴۰۱ - خرداد ۹۹ - خرداد خارج ۹۹ - شهریور ۹۸	۶۳- إِبْرَاهِيمُ الْخَلِيلُ (ع) حَاوَلُ أَنْ يُبَدِّلَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.
دی خارج ۹۸ - خرداد خارج ۹۸ - دی خارج ۱۴۰۰ - دی ۹۹ - خرداد خارج ۹۸ - دی خارج ۹۸	۶۴- بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ وَ يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمَ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا».
آذر ۱۴۰۱ - دی ۱۴۰۰ - دی خارج ۹۹	۶۵- أُرْسِلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَ الدِّينَ الْحَقَّ.
خرداد ۹۸	۶۶- ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبُدَ.
خرداد ۹۸	۶۷- الْحَضَارَاتُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِاللِّدِينِ.
دی ۹۸ - دی خارج ۹۸	۶۸- كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ (ع) جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبُدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.
خرداد خارج ۱۴۰۰ - خرداد خارج ۱۴۰۱	۶۹- لَمَّا شَاهَدَ النَّاسُ أَصْنَامَهُمْ مُكَسَّرَةً، ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) هُوَ الْفَاعِلُ.
شهریور ۱۴۰۱	۷۰- أَخْضَرُوا إِبْرَاهِيمَ (ع) فَقَدَفُوهُ فِي النَّارِ، ثُمَّ أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا.
آذر ۱۴۰۱	۷۱- بَقِيَ إِبْرَاهِيمَ وَحِيداً فَحَمَلَ فَأَسَأَ وَ كَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبُدِ.
	ترجمه‌های مربوط به عبارات «اعلموا» و «اختبر نفسك»
دی ۱۴۰۳	۷۲- ﴿ وَ لَا يَخْزِنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً... ﴾
شهریور ۱۴۰۳	۷۳- ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴾
دی ۹۸ - خرداد ۱۴۰۳	۷۴- كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ بِسَهُولَةٍ.
دی ۱۴۰۲	۷۵- ﴿ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴾
شهریور ۱۴۰۲	۷۶- ﴿... رَبَّنَا وَ لَا تُحْمَلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا... ﴾
خرداد خارج ۹۹	۷۷- لَا تَقْفَرْ كَالْجَهْلِ وَ لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ.
دی ۱۴۰۱ - شهریور ۹۹	۷۸- لَا حَيِّزَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ.
دی ۹۹	۷۹- ﴿ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَ لِكَيْتُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴾
دی خارج ۹۹	۸۰- ﴿... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ... ﴾
خرداد ۹۸	۸۱- ﴿ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا... ﴾
شهریور ۹۸	۸۲- ﴿ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَاباً ﴾
دی ۹۸ - دی خارج ۹۸	۸۳- لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ.
	ترجمه‌های مربوط به عبارات «تمارین»
دی ۱۴۰۳	۸۴- لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يُبَيِّرُ قُلُوبَهُمْ.
دی ۱۴۰۳	۸۵- لَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ.
خرداد ۱۴۰۳	۸۶- الْأَصْنَامُ تَمَاطِيلُ مِنَ الْخَشَبِ أَوْ الْحَدِيدِ تُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ.
دی ۱۴۰۲	۸۷- الطَّائِرُ قَدْ تَأَكَّدَ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ.
دی ۱۴۰۲ - خرداد ۱۴۰۱	۸۸- لَا تَقْفَرُ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ وَ لَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ.

## قواعد

## ي

١٤٥- كَتَبَ (نوشت)

الف) سَوْفَ يَكْتُبُ مُحَمَّدٌ ذِكْرِيَّاتِهِ.

ب) لَا تَكْتُبُوا شَيْئاً عَلَى الشَّجَرَةِ.

شهریور ۱۴۰۳

١٤١- سَأَلَ (سؤال کرد)

الف) أَنْتُمْ لِمَ تَسْأَلُونِي؟

ب) سَأَلَ الْمَدِيرُ: أَمَّا فِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟

خرداد ۱۴۰۲

١٤٢- اجْتَهَدَ (تلاش کرد)

الف) الطَّلَابُ قَدْ يَجْتَهِدُونَ فِي الصَّفِّ:

ب) هِيَ لَمْ تَجْتَهِدْ فِي دُرُوسِهَا:

خرداد ۱۴۰۲

١٤٣- أَكْرَمَ (گرامی داشت)

الف) أَكْرَمُوا الشُّهَدَاءَ:

ب) لُتْكِرِمُوا الدُّنْيَا:

خرداد ۱۴۰۲

١٤٤- عَفَرَ (آمرزید)

الف) لَا يَعْفَرُ الْمُخْطِئُ: ..... ب) قَدْ عَفَرَ اللَّهُ عَبْدَهُ: ..... ج) اللَّهُ هُوَ الْعَفَّارُ: .....

دی ۱۴۰۰

١٤٥- جَلَسَ (نشست)

الف) كَانَ يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ: .....

ب) هُمْ سَوْفَ يَجْلِسُونَ: .....

خرداد ۱۴۰۰

ج) هِيَ جَلَسَتْ هُنَاكَ: .....

١٤٦- عَفَرَ (آمرزید)

الف) الْمَغْفُورُ: .....

ب) الْعَفَّارُ: .....

دی ۹۹

١٤٧- اسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست)

الف) أَيْهَا التَّاسِ: اسْتَغْفِرُوا لِنُؤُوبِكُمْ: .....

ب) لَيْتَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ لِنُؤُوبِهِمْ: .....

خرداد ۹۸

١٤٨- قَطَعَ (ترید)

الف) كَانُوا يَقْطَعُونَ: .....

ب) لَا نَقْطَعُ: .....

شهریور ۹۸

١٤٩- أَجْلَسَ (نشاند)

الف) لِمَاذَا لَا تُجْلِسِينَ الْأَطْفَالَ: .....

ب) هُمْ لَمْ يَجْلِسُوا التَّلَامِيذَ: .....

دی ۹۸

## ك

١٥٥- ..... الْخَضَارَاتُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِاللِّدِينِ.

١) يُؤَكِّدُ

٢) أَكَّدَ

٣) تَوَكَّدَ

خرداد ۱۴۰۲

١٥١- ..... شَبَابُنَا عَلَّمَ إِيْرَانَ فِي الْمُبَارَاةِ.

١) رَفَعُوا

٢) رَفَعَتْ

٣) رَفَعَ

خرداد ۱۴۰۲

١٥٢- الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ ..... اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِاللِّدِينِ.

١) تَوَكَّدَ

٢) يُؤَكِّدُونَ

٣) تَوَكَّدَ

خرداد ۱۴۰۲

ل	
۱۴۰۱ خرداد	۱۵۳- عَلَّقُوا إِبْرَاهِيمَ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَكْبَرِ الْأَصْنَامِ فِي الْمَغْبَدِ.
۹۹ شهریور	۱۵۴- عَلَّقُوا إِبْرَاهِيمَ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ.
۱۴۰۰ خرداد خارج ۹۸ - شهریور ۱۴۰۳ - خرداد ۱۴۰۰	۱۵۵- ﴿... يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾
۹۹ دی	۱۵۶- عِنْدَمَا يَرَى حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا قُرْبَ عَشِيهِ، يَتَظَاهَرُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ.
م	
تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:	
۱۴۰۲ شهریور	۱۵۷- لَاسِوَةٌ أَسْوَأُ مِنْ الْكَذِبِ.
۱۴۰۰ خرداد خارج	۱۵۸- يَا إِلَهِي يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ.
۹۹ شهریور ۱۴۰۲ - خرداد خارج ۹۹	۱۵۹- ﴿... كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾
۱۴۰۰ خرداد خارج	۱۶۰- أَحْسَنُ الْحَسَنِ الْخُلُقِ الْحَسَنُ.
۹۸ شهریور ۱۴۰۰	۱۶۱- شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً.
۹۹ خرداد خارج	۱۶۲- لَا لِيَأْسَ أَجْمَلٌ مِنَ الْعَافِيَةِ.
۹۹ شهریور	۱۶۳- طَلَبْتُ الْحَاجَةَ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا أَشَدُّ مِنَ الْمَوْتِ.
۹۹ دی خارج ۱۴۰۰ - دی خارج ۹۹	۱۶۴- تَمَتَّى الْمَزَارِعُ: لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ!
۹۸ خرداد خارج	۱۶۵- عَلَّقُوا إِبْرَاهِيمَ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ.
۹۸ شهریور	۱۶۶- ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾
۱۴۰۰ دی	۱۶۷- اللَّهُ هُوَ الْعَفَاؤُ.
ن	
عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:	
۱۴۰۳ شهریور	۱۶۸- رَجَعَ النَّاسُ وَشَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ الْمَكْسَرَةَ فِي الْمَعْبَدِ.
۱۴۰۲ دی	۱۶۹- ﴿وَلَا يَخْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا...﴾
۱۴۰۲ خرداد خارج	۱۷۰- النَّاسُ شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً.
۱۴۰۲ شهریور	۱۷۱- حَاوَلُوا إِبْرَاهِيمَ (ع) أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.
۱۴۰۲ خرداد خارج	۱۷۲- الْهَدْفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينَ لِلْإِلَهَةِ تَجَنُّبُ شَرِّهَا.
۱۴۰۱ دی	۱۷۳- لَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ.
۱۴۰۱ خرداد خارج	۱۷۴- حَضَرَ الْمُسَافِرُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ.
۱۴۰۱ خرداد خارج	۱۷۵- وَقَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ (ع).
۱۴۰۰ خرداد خارج	۱۷۶- إِنَّمَا يُقْصِدُ إِبْرَاهِيمَ (ع) الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا.
۱۴۰۱ آذر	۱۷۷- أَحْسَنُ الْحَسَنِ الْخُلُقِ الْحَسَنُ.

خرداد ۱۴۰۰ - آذر ۱۴۰۱	۱۷۸- الأثَارُ القَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الإنسانِ بالدينِ.
شهریور ۱۴۰۰	۱۷۹- يَرَى الطَّائِرُ الذَّكِيَّ حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا.
دی ۱۴۰۰	۱۸۰- يَتَّبِعُ الحَيَوَانَ طَائِرًا فِي عَشِيهِ.
خرداد و دی ۹۹	۱۸۱- لا يَزْحَمُ اللهُ مَنْ لا يَزْحَمُ النَّاسَ.
شهریور ۹۸	۱۸۲- عَلَّقَ إبراهيمُ (ع) الفأسَ عَلَى كَتِفِ أصغَرَ الأضنَامِ.
شهریور خارج ۹۸	۱۸۳- بَقِيَ إبراهيمُ (ع) وَحِيدًا فَحَمَلَ فأسَهُ وَ كَسَرَ جَمِيعَ الأضنَامِ فِي المَعْبِدِ.
	س) عَيَّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ المَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ:
خرداد خارج ۱۴۰۲	۱۸۴- «كَسَرَ إبراهيمُ (ع) جَمِيعَ الأضنَامِ فِي المَعْبِدِ.» الف) كَسَرَ: <input type="radio"/> (۱) فَعْلٌ ماضٍ، مَفْرَدٌ، مَذَكَّرٌ، مَجْهُولٌ <input type="radio"/> (۲) فَعْلٌ ماضٍ، مَفْرَدٌ، مَذَكَّرٌ، مَعْلُومٌ ب) المَعْبِدِ: <input type="radio"/> (۱) إِسْمٌ، مَفْرَدٌ، مَذَكَّرٌ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ / مضافٌ إِلَيْهِ <input type="radio"/> (۲) إِسْمٌ مَكَانٍ، مَفْرَدٌ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ / مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَزْرِ
دی ۱۴۰۱	۱۸۵- إبراهيمُ (ع) كَسَرَ جَمِيعَ الأضنَامِ فِي المَعْبِدِ. الف) كَسَرَ: <input type="radio"/> (۱) فَعْلٌ ماضٍ - مَعْلُومٌ / خَبِرٌ <input type="radio"/> (۲) فَعْلٌ أمرٍ - مَعْلُومٌ / فاعِلٌ ب) المَعْبِدِ: <input type="radio"/> (۱) إِسْمٌ - مَفْرَدٌ - مَذَكَّرٌ - نَكَرَةٌ / مضافٌ إِلَيْهِ <input type="radio"/> (۲) إِسْمٌ مَكَانٍ - مَفْرَدٌ - مَذَكَّرٌ - مَعْلُومٌ / مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَزْرِ
خرداد خارج ۱۴۰۰	۱۸۶- تَمَتَّى المَزَارِعُ: لَيْتَ المَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا! <input type="radio"/> (۱) إِسْمٌ، جَمْعُ التَّكْسِيرِ (مَفْرَدَةُ المَزْرَعَةِ)، إِسْمٌ مَكَانٍ، المُعْرَفُ بِأَلٍ / فاعِلٌ <input type="radio"/> (۲) إِسْمٌ، مَفْرَدٌ، مَذَكَّرٌ، إِسْمٌ الفاعِلِ، المُعْرَفُ بِأَلٍ / فاعِلٌ <input type="radio"/> (۳) إِسْمٌ، مَذَكَّرٌ، إِسْمٌ الفاعِلِ مِنْ «زَرَعَ» / خَبِرٌ
خرداد خارج ۹۸	۱۸۷- كَسَرَ جَمِيعَ الأضنَامِ فِي المَعْبِدِ إِلا الصَّنَمَ الكَبِيرَ. <input type="radio"/> (۱) إِسْمٌ الفاعِلِ، مَفْرَدٌ، مُعْرَفٌ بِأَلٍ <input type="radio"/> (۲) إِسْمٌ مَكَانٍ، مَفْرَدٌ، مَذَكَّرٌ، مَعْرَفَةٌ

### مهارت درک و فهم

	ع) عَيَّنِ الكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ لِلْفَرَاغِ: (التَّدْيِينُ - مُفَسَّدَةٌ - الفأسُ - سُدَى - المَطَارُ - الصَّنَمُ - الحَنيفُ - لَيْتَ - الكَيْفُ - القَرابينُ - المُجيبُ)
دی ۱۴۰۳	۱۸۸- هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ دَعَوَاتِ النَّاسِ.
دی خارج ۱۴۰۱	۱۸۹- كَانَ الهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ ..... لِلآلهَةِ كَسْبِ رِضاها وَ تَجَنُّبِ شَرِّها.
دی ۱۴۰۱	۱۹۰- حَصَرَ السُّبْحانُ فِي قَاعَةٍ ..... لَكِنَّ الدَّلِيلَ لَمْ يَخْضُرَ.
شهریور ۱۴۰۳ - خرداد ۱۴۰۰	۱۹۱- لا يَتَرَكُ اللهُ الإنسانَ .....

۱۹۲- إنَّ ..... فَطْرِيَّ فِي الْإِنْسَانِ.	خرداد ۹۹
۱۹۳- عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجَذَعِ.	دی خارج ۱۴۰۰ - شهریور ۹۹ - دی خارج ۹۸
۱۹۴- لَهَا ذَاتُ يَدٍ مِنَ الْخَشَبِ وَ سِنَّ عَرِيضَةٌ مِنَ الْخَدِيدِ يُقَطَّعُ بِهَا.	دی خارج ۹۸
۱۹۵- تَارِكٌ لِلْبَاطِلِ وَ الْمُتَمَائِلِ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ.	دی ۹۷ - شهریور ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۲
۱۹۶- لَا تُعْضَبُ فَإِنَّ الْعَضَبَ .....	خرداد خارج ۱۴۰۰
۱۹۷- تَمَّتِ الْمَزَارِعُ: ..... الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا!	خرداد خارج ۱۴۰۰ - دی ۹۸
۱۹۸- تِفْثَالٌ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ.	خرداد خارج ۱۴۰۱ - دی خارج ۱۴۰۰

ف) اقرأ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

«أرسل الله الأنبياء (ع) لإنقاذ البشر من الخرافات و عبادة الأصنام، كما نعلم أن إبراهيم الخليل (ع) ذهب في أحد الأعياد إلى المعبد و كسّر جميع الأصنام إلا الصنم الكبير، فعلق الناس على كتيف هذا الصنم و خرج من المعبد، القوم أحضروه للمحاكمة و قدفوه في النار ولكن الله تبارك و تعالى أنقذه منها بسبب صبره أمام قومه و رفع شأنه بين الناس.»

دی ۱۴۰۳

۱۹۹- لماذا أنقذ الله إبراهيم (ع)؟

۲۰۰- متى ذهب إبراهيم (ع) إلى المعبد؟

۲۰۱- ما كان هدف إرسال الأنبياء؟

۲۰۲- عيّن الخطأ:

○ (۱) جعل إبراهيم (ع) الناس على كتيفه. ○ (۲) علق الناس على كتيف الصنم الكبير.

«الآثار القديمة التي اكتشفت من خلال القوش و التماثيل تؤكد اهتمام الإنسان بالدين، لأنه فطرياً في وجوده و لكن شعائره كانت خرافية، فأما الله تعالى لم يتركه في هذه الحالة فأرسل إليه الأنبياء (ع) للهداية و الإرشاد.»

خرداد خارج ۱۴۰۰

۲۰۳- ما يدل على اهتمام الإنسان بالدين؟

○ (۱) لأن الدين أمر فطري.

○ (۲) الآثار القديمة التي اكتشفتها الإنسان.

۲۰۴- لماذا ما ترك الإنسان في الخرافات؟

○ (۱) بسبب هداية النبيين الذين أرسلهم الله.

○ (۲) بشعائر الناس و إن كانت خرافية.

«ففي أحد الأعياد لما خرج قومه من مدينتهم، بقي إبراهيم (ع) وحيداً، فحمل فأساً و كسّر جميع الأصنام في المعبد إلا الصنم الكبير ثم علق الناس على كتيفه و ترك المعبد.»

خرداد خارج ۱۴۰۱

۲۰۵- ماذا علق إبراهيم (ع) على كتيف الصنم؟

.....

۲۰۶- متى خرج قوم إبراهيم (ع) من مدينتهم؟

.....

ص) عيّن الصحيح و الخطأ حسب الحقيقة و الواقع:

شهریور ۱۴۰۰

۲۰۷- علق إبراهيم (ع) الناس على كتيف أصغر الأصنام.

دی ۱۴۰۰

۲۰۸- لم يكن لبعض الشعوب دين أو طريقة للعبادة.

دی خارج ۱۴۰۰

۲۰۹- الآثار القديمة تؤكد اهتمام الإنسان بالدين.

دی ۹۹

۲۱۰- الصنم تمثال من حجر أو خشب يعبد من دون الله.

## پاسخ‌های تشریحی

۲۴- (دو کلمه اضافی است.) الف) الخَيف = المَوْحَد (یکتاپرست) ب) النَّزاع (کشمکش و درگیری) ≠ السَّلْم (آشتی و صلح)	
۲۵- (یک کلمه اضافی است.) الف) نَصْر = أَعانَ (یاری کرد) ب) السَّلْم (صلح، سازش) ≠ الصَّراع (درگیری)	
۲۶- (دو کلمه اضافی است.) الف) الحَبِيب = الصَّدِيق (دوست) ب) الحَير (خوبی) ≠ الشَّرّ (بدی)	
۲۷- (دو کلمه اضافی است.) الف) الفَّلّاح = المَزراع (کشاورز) ب) الصَّراع (کشمکش) ≠ السَّلْم (صلح، آشتی)	
ج) کلمه ناهماهنگ را در معنی مشخص کن:	
۲۸- سه کلمه دیگر از اجزای بدن هستند. بررسی گزینه‌ها: ۱) گوشت‌ها ×      ۲) استخوان‌ها × ۳) چشم‌ها ×      ۴) بهره‌ها ✓	
۲۹- سه کلمه دیگر از اعضای بدن هستند. بررسی گزینه‌ها: ۱) پا ×      ۲) زن ✓      ۳) سر ×      ۴) شانه ×	
۳۰- سه کلمه دیگر از فلزات هستند. بررسی گزینه‌ها: ۱) آهن ×      ۲) مس ×      ۳) شیشه ✓      ۴) طلا ×	
۳۱- کلمات دیگر با هم ارتباط معنایی دارند. بررسی گزینه‌ها: ۱) نگاره‌ها (کنده‌کاری‌ها) ×      ۲) نقاشی‌ها × ۳) نوشته‌ها ×      ۴) قوم‌ها، گروه‌ها ✓	
۳۲- سه کلمه دیگر از فلزات هستند. بررسی گزینه‌ها: ۱) نقره ×      ۲) گِل ✓      ۳) طلا ×      ۴) مس ×	

واژه‌شناسی	ردیف
کلماتی را که زیر آن‌ها خط است، ترجمه کن:	الف)
۱- هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست.	
۲- ابراهیم (ع) تبر را روی شانه بت آویخت.	
۳- گروه ابراهیم (ع) را آورد. (حاضر کرد)	
۴- مادر از پرنده‌ای زخمی نگهداری می‌کرد.	
۵- خدای من! موفقیت را بخت و بهرام در زندگی قرار بده.	
۶- تندیس‌ها بر توجّه انسان به دین تأکید می‌کنند.	
۷- نوشته‌ها و نگاره‌ها بر توجّه انسان به دین تأکید می‌کنند.	
۸- قرآن با ما درباره کشمکش (درگیری) پیامبران با کافران سخن گفته است.	
۹- با یکتاپرستی به دین روی بیاور.	
۱۰- گویی آن‌ها ساختمانی استوارند.	
۱۱- عبادت‌ها و مراسم او خُرافی بود.	
۱۲- گفتند: او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.	
۱۳- همانا خشم مایه تباهی است.	
۱۴- زمانی که این پرنده از فریب دشمن مطمئن می‌شود.	
۱۵- ابراهیم (ع) همه بت‌ها را شکست. (شکاؤد)	
۱۶- سینه را از شادمانی پر کن.	
۱۷- ابراهیم (ع) قوم خود را از پرستش بت‌ها نجات داد.	
۱۸- خداوند انسان را بیپه‌وده و پوچ رها نمی‌کند.	
۱۹- خداوند ابراهیم (ع) را از آتش نجات داد.	
۲۰- تبر را بر شانه‌اش آویخت.	
۲۱- قرآن با ما درباره روش و کردار پیامبران سخن گفته است.	
ب) متضاد و مترادف را مشخص کن:	
۲۲- الصَّراع (کشمکش) ≠ السَّلَام (صلح و آشتی)	
۲۳- أَسْفَلَ [الجِدْع] (پایین [تنه]) ≠ أَعْلَى [الجِدْع] (بالا [ی تنه])	

## ترجمه

ز

آیات و عبارات را به فارسی ترجمه کن:

۴۸- انسان تمدن‌ها را از میان نوشته‌ها و نگاره‌ها (کنده‌کاری‌ها) می‌شناخت.

۴۹- هیچ تمدنی نیست مگر اینکه در آن مراسمی دینی وجود دارد.

۵۰- زمانی که مردم برمی‌گردند بت‌های شکسته‌شان را می‌بینند.

۵۱- زمانی که مردم بت‌های شکسته‌شان را دیدند، ابراهیم (ع) را برای محاکمه آوردند (حاضر کردند).

۵۲- قرآن کریم درباره‌ی روش پیامبران (ع) و درگیری (کشمکش) آن‌ها با مردمان کافرشان با ما سخن گفته است.

۵۳- نوشته‌ها و نگاره‌ها بر این‌که دین در وجود انسان فطری است، دلالت می‌کند.

۵۴- با یکتاپرستی به دین روی بیاور.

۵۵- آیا تو این [کار] را با خدایانمان انجام دادی ای ابراهیم؟

۵۶- گفتند: او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.

۵۷- هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست، مگر این‌که آیین و روشی برای پرستش داشته باشد.

۵۸- پیشکش کردن قربانی‌ها به بت‌ها برای دوری جستن از بدی آن‌ها بود.

۵۹- آیا انسان گمان می‌کند (می‌پندارد) که بیهوده رها می‌شود؟!

۶۰- آثار کهن بر توجّه انسان به دین تأکید می‌کند.

۶۱- در یکی از عیدها، وقتی قومش از شهرشان خارج شدند، ابراهیم (ع) تنها ماند.

۶۲- در گذر زمان‌ها، این خرافات در دین‌های مردم افزایش یافت.

۶۳- ابراهیم خلیل (ع) تلاش کرد که قومش را از پرستش بت‌ها نجات دهد.

۶۴- مردم شروع به پیچ کردن: «قطعاً بت سخن نمی‌گوید و ابراهیم قصد مسخره کردن بت‌های ما را دارد.»

۳۳- سه کلمه دیگر بر جنس دلالت دارند.

بررسی گزینه‌ها:

(۱) نقره ✗ (۲) مس ✗ (۳) طلا ✗ (۴) مهمان ✓

مفرد یا جمع کلمات را بنویس:

۳۴- الْأَنْشُودَةُ ← جمع (الأنشید (سرودها)

۳۵- الْفَرَايسَةَ ← جمع (الفرائس (شکارها)

۳۶- الْفُقَرَاءَ ← جمع (نیازمندان)

۳۷- الْأَصْنَامَ ← جمع (بت‌ها)

۳۸- نَقَادٌ ← مفرد (سخن‌سنج، نقدکننده)

۳۹- الْأَصْنَامَ ← مفرد (بت)

۴۰- كَيْفَ ← جمع (آکتاف (شانه‌ها)

۴۱- الْفَأْسَ ← جمع (تبرها)

۴۲- الْقُرَابِينَ ← مفرد (قربانی)

جواب درست را انتخاب کن:

۴۳- جمع «العظم» ← (۱) الْعِظَامَ (استخوان‌ها) ✓

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) الْعِظَمَاءَ (بزرگان) ✗ (۳) الْأَعَاظِمَ (بزرگ‌ترین‌ها) ✗

۴۴- مفرد «العصور» ← (۱) الْعَصْرَ (زمان، دوره) ✓

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) الْعَصْرَةَ ← مفرد (فشرنده میوه) ✗

(۳) الْعَصِيرَ (عصاره، آب [میوه]) ✗

کلمه مناسب را برای توضیحات زیر انتخاب کن:

۴۵- شخصی که به انجام تکالیفش نمی‌پردازد.

بررسی گزینه‌ها:

(۱) یکتاپرست ✗ (۲) تعمیرکار ✗ (۳) تنبل ✓

۴۶- بی‌فایده می‌باشد.

بررسی گزینه‌ها:

(۱) بهره، بخت، شانس ✗ (۲) بیماری ✗

(۳) سلامتی ✗ (۴) بیهوده ✓

۴۷- «تندیسی از سنگ یا چوب یا آهن است که به جای خدا پرستیده می‌شود.»

بررسی گزینه‌ها:

(۱) تبر ✗ (۲) بت ✓ (۳) دوری کردن ✗

- ۸۴- کاش مسلمان‌ها بدانند که خداوند دل‌هایشان را نورانی می‌کند.
- ۸۵- هیچ عبادتی مانند اندیشیدن نیست.
- ۸۶- بت‌ها، مجسمه‌هایی از چوب یا آهن است که به جای خدا پرستش می‌شود.
- ۸۷- پرنده از فریب (نیرنگ) دشمن مطمئن شده است.
- ۸۸- هیچ فقری سخت‌تر از نادانی و هیچ عبادتی مانند اندیشیدن نیست.
- ۸۹- اگر مردم را دشنام دهید [با این کار]، میانشان دشمنی کسب می‌کنید.
- ۹۰- ما از گل آفریده شدیم پس به خاندانمان افتخار نمی‌کنیم.
- ۹۱- کشاورز آرزو داشت: «ای کاش باران، بسیار بیارد.»
- ۹۲- از خدا می‌خواهم که (امیدوارم که خدا) موفقیت را، به‌رادم در زندگی قرار دهد.
- ۹۳- خدای من، موفقیت را بخت من در زندگی قرار بده.
- ۹۴- زمانی که جانوری درنده را می‌بیند وانمود می‌کند که بالش شکسته است.
- ۹۵- هر غذایی که نام خدا بر آن ذکر نشود، هیچ برکتی در آن نیست.
- ۹۶- وقتی که [این] پرنده از فریب دشمن مطمئن می‌شود، ناگهان پرواز می‌کند.
- ۹۷- پرنده باهوش جانور درنده‌ای را نزدیک لانه‌اش می‌بیند.
- ۹۸- از آن چه [خودتان] نمی‌خورید به نیازمندان غذا نخورانید.
- ۹۹- بلکه آن‌ها را می‌بینی که از تگه گلی آفریده شدند. آیا چیزی جز گوشت و استخوان و پی‌اند؟!
- ۱۰۰- حق را از اهل باطل بگیرد و باطل را از اهل حق نگیرد.
- ۱۰۱- از سنت [پیامبر] است که مرد با مهمانش تا در خانه برود.
- ۱۰۲- مدیر پاسخ داد: هیچ دانش‌آموزی این‌جا نیست.
- ۱۰۳- ای خدای من، خرد و دلم را با دانش‌های سودمند روشن کن.
- ۱۰۴- سینه را از شادمانی و دهانم را از لبخندها پر کن.

- ۶۵- خداوند پیامبران را فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند.
- ۶۶- سپس تبر را بر روی شانه آن آویخت (آویزان کرد) و معبد (عبادتگاه) را ترک کرد.
- ۶۷- تمدن‌های قدیم بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند.
- ۶۸- ابراهیم (ع) همه بت‌ها را به جز بت بزرگ در معبد، شکست.
- ۶۹- زمانی که مردم بت‌هایشان را شکسته دیدند، گمان کردند که ابراهیم (ع) همان انجام‌دهنده [این کار] است.
- ۷۰- ابراهیم (ع) را حاضر کردند پس او را در آتش انداختند، سپس خدا او را از آن نجات داد.
- ۷۱- ابراهیم (ع) تنها ماند پس تبری را برداشت و تمام بت‌ها را در معبد شکست.
- ۷۲- گفتارشان تو را نباید اندوهگین کند؛ زیرا ارجمندی، همه از آن (برای) خداست.
- ۷۳- بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.
- ۷۴- گویی خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به آسانی به دست آورده نمی‌شود. (به دست نمی‌آید)
- ۷۵- بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید.
- ۷۶- [ای] پروردگار ما، آنچه که هیچ توانی نسبت به آن نداریم، بر ما تحمیل مکن.
- ۷۷- هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی مانند ادب نیست.
- ۷۸- هیچ خیری در سخنی (گفتاری) نیست؛ مگر این که همراه کردار (عمل) باشد.
- ۷۹- و این، روز رستاخیز است، ولی شما نمی‌دانستید.
- ۸۰- آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند برابرنند؟
- ۸۱- جز آن چه به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی نداریم (برای ما نیست).
- ۸۲- و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم!
- ۸۳- هیچ لباسی زیباتر از سلامتی (تندرستی) نیست.

۱۱۹- گزینه «۱» صحیح است. (در ترجمه «إِنَّمَا» معمولاً از الفاظ «فقط، تنها» استفاده می‌شود.)

جاهای خالی را در ترجمه فارسی کامل کن:

۱۲۰- گردشگران (: السَّيَّاحُ) - راهنما (: الدَّلِيلُ)

۱۲۱- بسوزانید (: حَرَّقُوا) - یاری کنید (: أَنْصُرُوا)

۱۲۲- صف در صف (: صَفًّا) - بیکار می‌کنند (می‌جنگند) (: يُقَاتِلُونَ)

۱۲۳- ای کاش (: يَا لَيْتَ) - خاک (: تُرَابًا)

۱۲۴- بیکار می‌کنند، (می‌جنگند) (: يُقَاتِلُونَ) - گویی (: كَأَنَّ)

۱۲۵- نباید اندوهگین کند (: لَا يَحْزُنُ) - نهی غایب - همه (: جَمِيعًا)

۱۲۶- می‌دانم (: أَعْلَمُ) - توانا است، قادر است (: قَدِيرٌ)

۱۲۷- رستخیز (: الْبَغْثُ) - نمی‌دانستید (: كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: معادل ماضی استمراری)

۱۲۸- گویی (: كَأَنَّ) - به‌دست آورده نمی‌شود (: لَا تُدْرِكُ)

۱۲۹- زیباتر (: أَجْمَلُ)

۱۳۰- نیکوکاران (: الْمُحْسِنِينَ)

۱۳۱- هیچ نداریم (: لَا ... لَنَا) - تحمیل نکن (: لَا تَحْمِلْ)

۱۳۲- مانند (: كَأَنَّ)

۱۳۳- نمی‌خورید (: لَا تَأْكُلُونَ) - اطعام نکنید، نخورانید (: لَا تُطْعِمُوا)

۱۳۴- آرزو داشت (: تَمَنَّى) - کاش (: لَيْتَ)

۱۳۵- شادمانی (: انْتِشِرَاحًا) - لبخندها (: الْبَسْمَاتِ)

۱۳۶- فرودگاه (: الْمَطَارُ) - راهنما (: الدَّلِيلُ)

۱۳۷- انجام (: أداء) - یاری کن (: أَعْتِي)

۱۳۸- صلحی، آشتی (: سَلَامًا) - پر کن (: اِمْلَأْ)

۱۳۹- ذکر نمی‌شود (: لَا يُذَكَّرُ) - هیچ (: لَا)ی نفی جنس)

۱۰۵- هیچ دینی برای کسی که هیچ [وفای به] عهدی ندارد، نیست. (کسی که هیچ [وفای به] پیمانی ندارد، هیچ دینی ندارد.)

۱۰۶- آیا آن‌ها را می‌بینی (می‌پنداری) که از نقره یا آهن یا مس یا طلا آفریده شدند؟

۱۰۷- از من و کشورم از پیشامدهای بد، نگره‌داری کن.

گزینه صحیح را در ترجمه انتخاب کن:

۱۰۸- گزینه «۱» صحیح است. «يُخَسِّبُ: گمان می‌کند» فعل مضارع است و به‌صورت اخباری ترجمه می‌شود و فعل «أَنْ يُثْرِكُ» به‌صورت فعل مضارع التزامی مجهول است. (در اینجا با توجه به سیاق جمله به‌صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود.)

۱۰۹- گزینه «۲» صحیح است. «لِيمَ» مترادف «لِمَاذَا» و به معنای «چرا، برای چه» است / «تَسْأَلُونَ: می‌پرسید» به‌صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

۱۱۰- گزینه «۲» صحیح است. «ازادت» فعل ماضی است نه مضارع. / «أُدْيَانُ»: جمع مکسر «دین» است. / «عَلَى مَرَّ الْعَصُورِ: درگذر زمان‌ها)

۱۱۱- گزینه «۲» صحیح است. «حَنِيفًا» صفت «الدِّين» نیست بلکه حال است و با پیشوند «بِا» ترجمه می‌شود. (در درس دوم می‌آموزید.)

۱۱۲- گزینه «۱» صحیح است. «لَا ... لَنَا»: هیچ نداریم / «عَلَّمْتَ»: آموخته‌ای)

۱۱۳- گزینه «۱» صحیح است. «لَا يَحْزُنُ: نباید ناراحت کند» فعل نهی از غایب است و به‌صورت «نباید + مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.

۱۱۴- گزینه «۲» صحیح است. «قَدْ + فعل مضارع (قَدْ يَكْتُبُ) ← گاهی + مضارع اخباری» یا «شاید + مضارع التزامی»

۱۱۵- گزینه «۲» صحیح است. «يَتَأَكَّدُ: مطمئن می‌شود»

۱۱۶- گزینه «۲» صحیح است. «لَيْتَ + فعل مضارع (أَذْهَبُ) ← مضارع التزامی»

۱۱۷- گزینه «۱» صحیح است. «خَلَقُوا: آفریده شده‌اند» ماضی مجهول ترجمه می‌شود. / «مِنْ: از»

۱۱۸- گزینه «۱» صحیح است. «الْعَدُوُّ» مفرد است نه جمع. / «زندگی» در گزینه «۲» اضافی است.

## قواعد

ی) فعل‌های زیر را ترجمه کن:

۱۴۰- الف) خواهد نوشت (مستقبل، مفرد مذکر غایب)  
ب) ننویسد (نهی، جمع مذکر مخاطب)

۱۴۱- الف) می‌پرسید، سؤال می‌کنید (ب) سؤال شد

۱۴۲- الف) گاهی تلاش می‌کنند (ب) تلاش نکرد

۱۴۳- الف) گرامی بدارید (ب) باید گرامی بداریم

۱۴۴- الف) آموخته نمی‌شود (ب) آموخته است  
ج) بسیار آموخته

۱۴۵- الف) می‌نشست (ب) خواهند نشست  
ج) نشست

۱۴۶- الف) آموخته شده (ب) بسیار آموخته

۱۴۷- الف) آموزش بخواهید (ب) آموزش بخواهند

۱۴۸- الف) می‌پریدند (ب) نمی‌پریدم

۱۴۹- الف) نمی‌نشانی (ب) نشانندند

ک) فعل مناسب را برای جای خالی انتخاب کن:

۱۵۰- گزینه «۳»؛ «تَوَكَّدَ»؛ فاعل (الْحَضَارَات) مؤنث است (مفرد آن «الْحَضَاة» است.) و فعل به علت مطابقت با آن باید به صورت مؤنث بیاید.

۱۵۱- گزینه «۳»؛ «رَفَعَ»؛ زیرا فعل در ابتدای جمله حتماً به صورت مفرد می‌آید و چون «شَبَاب» [فاعل آن] مذکر است، پس باید به صورت مفرد مذکر بیاید که «رَفَعَ» این‌گونه است.

۱۵۲- گزینه «۱»؛ «تَوَكَّدَ»؛ زیرا در جای خالی باید خبر برای «الآثَار» قرار گیرد و چون «الآثَار» جمع مکسر غیرانسان است، خبر باید برای آن به صورت مفرد مؤنث یعنی به صورت «تَوَكَّدَ» بیاید.

ل) در جملات زیر به دنبال این اسم‌ها بگرد: (اسم مکان ...)

۱۵۳- أَكْبَرُ (بزرگ‌ترین) بر وزن «أَفْعَلُ» ← اسم التَّفْضِيل / المَعْبُد (عبادتگاه) بر وزن «مَفْعَلُ» ← اسم المَكَان

۱۵۴- أَصْغَرُ (کوچک‌ترین) بر وزن «أَفْعَلُ» ← اسم التَّفْضِيل

۱۵۵- المَكْرُمِينَ (گرامی‌شدگان) ← اسم المَفْعُول (مُدَّ)

۱۵۶- مُفْتَرِساً (درنده) ← اسم الفاعل (مُدَّ) / مَكْسُور (شکسته‌شده) بر وزن «مَفْعُولُ» ← اسم المَفْعُول

م) کلماتی را که زیرشان خط است، ترجمه کن:

۱۵۷- هیچ بدی‌ای بدتر از دروغ نیست.

۱۵۸- ای خدای من ای برآورنده دعاها.

۱۵۹- گویی آن‌ها ساختمانی استوار (محکم) هستند.

۱۶۰- بهترین خوبی، اخلاق خوب است.

۱۶۱- بت‌هایشان را شکسته‌شده دیدند.

۱۶۲- هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست.

۱۶۳- خواستن نیاز از نااهل آن از مرگ سخت‌تر است.

۱۶۴- کشاورز آرزو کرد: ای کاش باران ببارد!

۱۶۵- ابراهیم (ع) تبر را بر شانه کوچک‌ترین بت‌ها آویخت.

۱۶۶- بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

۱۶۷- تنها خدا بسیار آموخته است.

ن) نقش کلماتی را که زیرشان خط است، مشخص کن:

۱۶۸- التَّاسُّ: فاعل برای فعل «رَجَعَ» است. / المَكْسَرَةُ: صفت برای موصوف «أَصْنَامٌ» و «أَصْنَامُهُمُ المَكْسَرَةُ» ترکیب اضافی - وصفی است. / المَعْبُد: مجرور به حرف جر (بعد از حرف جر «فی» آمده است.)

۱۶۹- قَوْلٌ: فاعل برای فعل «لَا يَحِزُّنُ» است. / إِلَيْهِ: جار و مجرور

۱۷۰- «أَصْنَامٌ»: مفعول برای فعل «شَاهَدُوا» است. / «مَكْسَرَةٌ» حال است. (در درس دوم می‌آموزید.)

۱۷۱- إِبْرَاهِيمُ: فاعل برای فعل «حَاوَلُ» است. / عِبَادَةٌ: مجرور بحرف جر («مِنْ») حرف جر است؛ «مِنْ عِبَادَةٍ»: جار و مجرور

۱۷۲- الِهْدَفُ: مبتدا (جملة اسمیه داریم (مبتدا + خبر) / القَرَابِينِ: مضاف الیه (تقدیم: مضاف است و نه ال دارد و نه تنوین، پس کلمه پس از آن مضاف الیه است.) / تَجَنَّبَ: خبر برای مبتدای «الِهْدَفُ» است.

۱۷۳- الْبَاطِلُ: مفعول برای فعل «لَا تَأْتُوا» است. / الْحَقُّ: مضاف الیه (أَهْلُ (اسم بدون ال و تنوین) + اسم ← اسم دوم مضاف الیه است.)

۱۸۶- گزینۀ «۲» صحیح است.

بررسی سایر گزینه‌ها

(۱) جمعُ التَّكْسِير ← مفرد / اسمُ الْمَكَان ← اسمُ الْفَاعِل  
 دَقَّتْ كَنِيْد «المُزَارِع» به معنای «کشاورز» را با «المُزَارِع» که جمع مکسّر «مَزْرَعَة» هست اشتباه نگیرید.

(۳) اسمُ الْفَاعِلِ مِنْ «رَزَع» ← اسم الْفَاعِلِ مِنْ «زَارَع» / خبر  
 ← فاعِل (جمله با فعل شروع شده پس باید دنبال فاعل بگردیم نه خبر).

**نکته** اسم‌های فاعل یا مفعول که با س، ش، س شروع می‌شوند از فعل‌های گروه اول که فقط از حروف اصلی تشکیل می‌شوند، (سه حرفی) نیستند بلکه ماضی آنها علاوه بر سه حرف اصلی «حرف یا حروفی» اضافه دارد (گروه دوم).

۱۸۷- گزینۀ «۲» صحیح است. «المُعْبَد» بر وزن «مُفْعَل» اسم مکان است.

### مهارت درک و فهم

ع کلمۀ صحیح را برای جای خالی مشخص کن:

۱۸۸- المَّجِيْبُ (برآورنده، [او] کسی است که خواسته‌های (دعاهای) مردم را می‌پذیرد.)

۱۸۹- القَرَّابِيْن (هدف از پیشکش کردن قربانی‌ها برای خدایان، به‌دست آوردن خشنودیشان و دوری از بدی آنهاست.)

۱۹۰- المَطَّار (گردشگران در سالن فرودگاه حاضر شدند اما راهنما حاضر نشد.)

۱۹۱- سُدِيّ (خداوند انسان را بیپوده و پوچ رها نمی‌کند.)

۱۹۲- التَّدِيْنُ (همانا دینداری در انسان فطری (ذاتی) است.)

۱۹۳- الكَتِفُ (شانه عضو از اعضای بدن است که بالای تنه قرار دارد.)

۱۹۴- الفَّاسُ (تبر دسته‌ای از چوب و دندانهای پهن از آهن دارد که به وسیله آن بریده می‌شود.)

۱۹۵- الخَنِيْفُ (یکتاپرست ترک‌کننده باطل و گرونده به دین حق است.)

۱۷۴- المُسَافِرُ: فاعل (برای فعل «حَضَرَ» است.) / فِي قَاعَةٍ: جار و مجرور (فی: حرف جر)

۱۷۵- القَرَأْنُ: فاعل (برای فعل «حَدَّثَ» است.) / «الكَرِيْمُ»: صفت برای موصوف «القَرَأْن» است. (ویژگی «القَرَأْن» را بیان می‌کند.)

۱۷۶- إِبْرَاهِيْمُ: فاعل برای فعل «يَقْصُدُ» است.

۱۷۷- أَحْسَنُ: مبتدا (جمله اسمیه داریم.) / «الْحَلْقُ»: خبر برای مبتدای «أَحْسَنُ» است. (معنای «أَحْسَنُ» را کامل می‌کند.)

۱۷۸- اهْتِمَامٌ: مفعول (برای فعل «تَوَكَّدَ» است و نیاز به مفعول دارد.) / الْإِنْسَانُ: مضاف‌إلیه (بعد از «اهْتِمَامٌ» اسم بدون ال و تنوین آمده است.)

۱۷۹- الطَّائِرُ: فاعل (برای فعل «بَرَى» است.) / حَيَوَانًا: مفعول برای فعل «بَرَى» است.

۱۸۰- الْحَيَوَانُ: فاعل برای فعل «يَتَّبَعُ» است. / طَائِرًا: مفعول برای فعل «يَتَّبَعُ» است.

۱۸۱- اللّهُ: فاعل برای فعل «لَايَزَحَمُ» است. / التَّاسُ: مفعول برای فعل «لَايَزَحَمُ» است.

۱۸۲- إِبْرَاهِيْمُ: فاعل برای «عَلَّقَ» است. / الْأَضْنَامُ: مضاف‌إلیه (به کلمۀ «أَضَعَر» توجّه کنید، اسم بدون ال و تنوین.)

۱۸۳- وَحِيدًا: حال (قید حالت برای «إِبْرَاهِيْمُ»؛ در درس دوم می‌آموزید.) / فَأَسَ: مفعول برای فعل «حَمَلَ» است. / الْأَضْنَامُ: مضاف‌إلیه (پس از کلمۀ «جَمِيع» آمده پس قطعاً مضاف‌إلیه است.)

س [گزینۀ] صحیح را در تحلیل صرفی و محل اعرابی (تجزیه و ترکیب) مشخص کن:

۱۸۴- الف) گزینۀ «۲» صحیح است. («مجهول» در گزینۀ «۱» نادرست است.)

ب) گزینۀ «۲» صحیح است. («مضاف‌إلیه» در گزینۀ «۱» نادرست است.)

۱۸۵- الف) گزینۀ «۱» صحیح است. (فعل ماضی و خبر برای مبتدای «إِبْرَاهِيْمُ» است.)

ب) گزینۀ «۲» صحیح است. («ال» دارد و معرفه است نه نکره. / بر وزن «مُفْعَل» اسم مکان است. / پس از حرف جر «فی» آمده و «مجرور بحرف الجر» است.)

**ترجمه متن:** «آثار کهنی (قدیمی‌ای) که از میان نگاره‌ها و تندیس‌ها کشف شد، بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند؛ زیرا آن در وجودش فطری (ذاتی) است، ولی مراسم‌هایش خرافی بوده است، اما خداوند - بلندمرتبه بادا - او را در این حالت رها نکرد پس پیامبران (ع) را برای هدایت و راهنمایی به سویش فرستاد.»

۲۰۳- چه چیزی بر توجه انسان به دین دلالت دارد؟

- (۱) زیرا دین مسئله‌ای فطری است. ✗  
 (۲) آثار کهنی (قدیمی‌ای) که انسان کشفشان کرد. ✓

۲۰۴- چرا انسان (بشر) در خرافات رها نشد؟

- (۱) به سبب هدایت پیامبرانی که خداوند به سویشان فرستاد. ✓  
 (۲) به [خاطر] آیین‌های مردم هر چند خرافه بوده است. ✗

**ترجمه متن:** «در یکی از عیدها زمانی که قومش از شهرشان بیرون رفتند، ابراهیم (ع) تنها ماند، پس تبری را برداشت و تمام بت‌ها به جز بت بزرگ را در معبد شکست سپس تبر را روی شانه او آویخت (آویزان کرد) و معبد را ترک کرد.»

۲۰۵- ابراهیم (ع) چه چیزی روی شانه بت آویزان کرد؟  
 الفأس. (تبر).

۲۰۶- قوم ابراهیم چه زمانی از شهرشان بیرون رفتند؟ فی أْحَدِ الْأَعْيَادِ. (در یکی از عیدها).

**درست یا غلط را بر اساس حقیقت و واقعیت مشخص کن:**

- ۲۰۷- ابراهیم (ع) تبر را روی شانه کوچک‌ترین بت‌ها آویخت. ✗  
 ۲۰۸- برخی از ملت‌ها دین یا روشی برای عبادت نداشتند. ✗  
 ۲۰۹- آثار قدیمی بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند. ✓  
 ۲۱۰- بت، تندیس‌ای از سنگ یا چوبی است که به جای خدا عبادت می‌شود. ✓

۱۹۶- مَفْسَدَةٌ (خشمگین نشو، زیرا خشم مایهٔ تباهی است).

۱۹۷- لَيْتَ (کشاورز آرزو کرد: کاش باران، زیاد بیارد).

۱۹۸- الصَّنَمِ (بت مجسمه‌ای از سنگ یا چوب یا آهن است که به جای خدا پرستش می‌شود).

**متن را بخوان، سپس به سوالات زیر جواب بده:**

**ترجمه متن:** «خداوند پیامبران (ع) را برای نجات مردم از خرافات و پرستش بت‌ها فرستاد، همان‌گونه که می‌دانیم ابراهیم (ع) در یکی از اعیاد به معبد رفت و همه بت‌ها را جز بت بزرگ شکست و تبر را بر شانه این بت آویخت و از معبد خارج شد، مردم او را برای محاکمه آوردند و در آتش انداختند، اما خدائ - پربرکت و بلندمرتبه [بادا نام او] - او را به خاطر شکیبایی‌اش در برابر قومش از آن (آتش) نجات داد و جایگاهش را در میان مردم بالا برد.»

۱۹۹- چرا خداوند ابراهیم (ع) را نجات داد؟  
 أَنْقَذَهُ بِسَبَبِ صَبْرِهِ أَمَامَ قَوْمِهِ. (او را به خاطر شکیبایی‌اش در برابر قومش نجات داد).

۲۰۰- چه زمانی ابراهیم (ع) به معبد رفت؟  
 ذَهَبَ فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ إِلَى الْمَعْبَدِ. (در یکی از اعیاد به معبد رفت).

۲۰۱- هدف فرستادن پیامبران چه بوده است؟  
 كَانَتْ هَدْفُ إِرْسَالِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) إِنْقَاذَ الْبَشَرِ مِنَ الْخُرَافَاتِ وَ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. (هدف فرستادن پیامبران (ع)، نجات مردم از خرافات و پرستش بت‌ها بوده است).

۲۰۲- خطا را مشخص کن:

- (۱) ابراهیم (ع) تبر را بر شانه خود گذاشت. ✗  
 (۲) تبر بر شانه بت بزرگ آویخته شد. ✓

**یادداشت:**

# آزمون ماهی درس اول

## آزمون ۱

ردیف	سؤالات	نمره
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ. الف) حاول إبراهيم (ع) أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. ب) ﴿ وَ لَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ... ﴾ ج) و املاً الصَّدْرَ انْتِزَاحاً / وَ فَمِي بِالْبَسْمَاتِ د) تَأَكَّدَ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ.	۱
۲	عَيِّنِ الْمُتَصَادِفَ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ. التَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ الْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ.	۰/۵
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى. صراع (۳)      نزاع (۲)      جهاد (۱)      عدو (۴)	۰/۲۵
۴	اُكْتُبِ الْمَفْرَدَ أَوْ الْجَمْعَ لِمَا تَحْتَهُ حَطٌّ. الف) إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقِ الْحَسَنُ. ب) وَاخْمِنِي مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ.	۰/۵
۵	اِنتْخِبِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ. الف) مَنْ قَدْ يَكْتُبُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ: ب) خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْهُ: الكَسُولُ (۱)      الكَاتِبُ (۲)      اللُّوْحُ (۳) الشَّرَابُ (۱)      التِّينَ (۲)      الطِّينَ (۳)	۰/۵
۶	تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ. الف) ﴿ ... أَقِمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً ﴾ ب) التَّقْوَشُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالدِّينِ. ج) قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ صِرَاعِ الْأَنْبِيَاءِ (ع). د) كَانَ إِبْرَاهِيمُ (ع) عَلَقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِهِ. هـ) قَدَفُوهُ فِي التَّارِ، فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا. و) ﴿ ... حَزَفُوهُ وَ انْضَرُوا إِلَيْتِكُمْ ﴾ ز) لِمَاذَا يَبْكِي الطِّفْلُ؟ لِأَنَّهُ جَائِعٌ.	۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۷۵

۱	ح) كَانَ «الطَّائِرُ الذَّكِيُّ» تَظَاهَرَ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ. ط) لَأَتَسَبُّوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعِدَاوَةَ بَيْنَهُمْ. ي) كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ. ك) ﴿... لِأَتَحَمَّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ...﴾	
۰/۷۵		
۰/۵		
۰/۵	۷) <b>إِنتْخِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ.</b> الف) ﴿وَلَا يَخْزِيكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا...﴾ ۱) از گفتارشان اندوهگین نشو، قطعاً ارجمندی، همه از آن خداست. ۲) گفتارشان تو را نباید اندوهگین کند؛ زیرا ارجمندی، همه از آن خداست. ب) ﴿... قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ ۱) گفت می دانم قطعاً خدا بر همه چیز تواناست. ۲) گفت می دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.	
۱	۸) <b>كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ.</b> الف) لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الْغَضَبَ مُفْسِدَةٌ. خشمگین مشو، ..... خشم ..... است. ب) كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، ... لَا يَزَكَّةَ فِيهِ. هر غذایی که نام خدا بر او ..... ، ..... در آن نیست.	
۲	۹) <b>تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ.</b> الف) وَ لِنُذَكِّرُ مِثْلًا إِبْرَاهِيمَ (ع). ج) ﴿أَيُحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُشْرَكَ سُدًى﴾ هـ) رَجَاءٌ، لَا تَكْتَبُوا عَلَى جِلْدِ الْكِتَابِ. ز) لَنْ يَكْتُوبَ الْعَاقِلُ عَلَى الْآثَارِ التَّارِيخِيَّةِ. ب) قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيْرَةِ الْأَنْبِيَاءِ (ع). د) جَاءَ الْأَنْبِيَاءُ (ع) لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ. و) اللَّهُ لَمْ يَشْرِكْ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ. ح) قَدْ يَتَّظَاهَرُ الطَّائِرُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ.	
۰/۷۵	۱۰) <b>إِنتْخِبِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ</b> الف) أَنَا ..... واجباتي أمس. ب) ..... الخيوان المُفْتَرِسُ هَذِهِ الْفَرِيْسَةَ عَدَاً. ج) ..... النَّاسُ يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ. ۱) أَكْتُبُ                      ۲) سَأَكْتُبُ                      ۳) لَمْ أَكْتُبْ ۱) يَتَّبِعُ                      ۲) سَيَتَّبِعُ                      ۳) لَمْ يَتَّبِعْ ۱) يَدَّوُوا                      ۲) يَدَّأُ                      ۳) تَبَدَّأُ	
۱	۱۱) <b>عَيِّنِ نَوْعَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ. (فِعْلٌ مَاضٍ وَ فِعْلٌ نَهْيٌ وَ فِعْلٌ أَمْرٌ وَ مُضَرَّرٌ)</b> الف) الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالدِّينِ. ج) تَبِعَ الْخَيَوَانَ الْمُفْتَرِسُ هَذِهِ الْفَرِيْسَةَ. ب) ﴿لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...﴾ د) أُرْسِلُ إِلَى النَّاسِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.	

١٣	<p>اِنتَخِبْ «لا» التانيّة للجنس.</p> <p>(١) ... رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ... ﴿﴾</p> <p>(٢) أ في المَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟ لا، لا يُوجَدُ أَحَدٌ في المَدْرَسَةِ.</p> <p>(٣) لا أَرَى الطَّالِبَاتِ في الجَامِعَةِ الدُّوَلِيَّةِ.</p>
١٤	<p>اِنتَخِبِ العِبَارَةَ الَّتِي فِيهَا الحَرْفُ المُشَبَّهُ بِالفِعْلِ.</p> <p>(١) يُرِيدُ صَدِيقِي أَنْ يَكْتُبَ ذِكْرِيَاةَ في دَفْتَرِهِ.</p> <p>(٢) ﴿يَقُولُ الكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثُرَابًا﴾</p> <p>(٣) ﴿... لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ...﴾</p>
١٥	<p>عَيِّنِ المَحَلَّ الإِعْرَابِيَّ لِلكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ.</p> <p>(الف) إِرْضَاءٌ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لِأَنْذَرُكَ.</p> <p>(ب) يُقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ (ع) الإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَافِنَا.</p>
١٥	<p>(الف) عَيِّنِ اسْمَ الفَاعِلِ و اسْمَ المَفْعُولِ و اسْمَ المُبَالِغَةِ و اسْمَ التَّفْضِيلِ في العِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.</p> <p>(١) و اَمَلًا الدُّنْيَا سَلَامًا...</p> <p>(٢) أَجِيبِي هَجْرُونِي كَمَا تَشَاءُ عِدَاتِي.</p> <p>(٣) شَاهَدُوا مِثَاتِ المَصَابِيحِ المُلَوَّنَةِ.</p> <p>(٤) أَلْفَوَاصُونَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ البَحْرِ لِيلاً.</p> <p>(ب) تَرْجِمِ الكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ.</p> <p>(١) حَصَرَ الشِّيَاخَ في قَاعَةِ المَطَارِ.</p> <p>(٢) لا سَوْءَ أَسْوَأُ مِنَ الكَذِبِ.</p>
١٦	<p>صَغِّفِ في الفِرَاقِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ).</p> <p>(كَأَنَّ - نَقَادَ - مُجِيبَ - لَيْتَ)</p> <p>(الف) كُنْتُ أَمْنَى: ..... المَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا.</p> <p>(ب) ... لا تَأْخُذُوا البَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الحَقِّ كُونُوا ..... الكَلَامِ.</p>
١٧	<p>اقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَةَ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ.</p> <p>« الطَّائِرُ الذِّكِيُّ »</p> <p>«بَيْنَمَا يَنْظُرُ المُفْتَرِسُ إِلَى الأَعْلَى إِذْ وَجَدَ عَشَّ «الطَّائِرِ الذِّكِيِّ» فَوْقَ الشَّجَرَةِ وَ كَذَلِكَ شَاهَدَ فِرَاحَهُ الجَمِيلَةَ في العُشِّ، فَفَرَزَ بِنَفْسِهِ أَنْ يَصِيدَهَا وَ يَأْكُلَهَا فَطَلَبَ مِنَ الطَّائِرِ أَنْ يَقْدِفَ إِلَيْهِ فِرْحًا لِيَلْعَبَ مَعَهُ؛ وَ هَدَّدَهُ بِأَنَّهُ إِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَسَيَصْعَدُ الشَّجَرَةَ. وَ لَكِنَّ الطَّائِرَ أَذْرَكَ جِدَاعَ العَدُوِّ وَ لَمْ يَهْرَبْ مِنْهُ وَ بَقِيَ في مَكَانِهِ وَ حَافِظًا عَلَى عُنْشِهِ وَ عَلَى فِرَاحِهِ.»</p> <p>(الف) أَيْنَ كَانَ عُنْشُ الطَّائِرِ الذِّكِيِّ؟</p> <p>(ب) مَاذَا فَعِمَ الطَّائِرُ؟</p> <p>(ج) غَلَامَ عَزَمَ المُفْتَرِسُ؟</p> <p>(د) لِمَاذَا طَلَبَ المُفْتَرِسُ فِرْحًا؟</p>

## آزمون ۲

ردیف	سؤالات	نمره
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ. (الف) تُؤَكِّدُ التُّقْوَى وَ الرُّسُومَ اِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ . (ج) وَاحْمِي وَاحِمٍ بِلَادِي مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ . (ب) قَدْ يَكْتَسِبُ الْكَسُولُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ . (د) يَتَّبِعُ الْحَيَوَانَ الْمُفْتَرِسُ هَذِهِ الْفَرِيَسَةَ .	۱
۲	عَيِّنِ الْمُتْرَادِفَ وَ الْمُتَضَادَّ فِي الْعِبَارَتَيْنِ التَّالِيَتَيْنِ. (الف) سَأَلَ: أ فِي الْمُدْرَسَةِ طَالِبٌ؟ فَأَجَابَ: لَا، لَا طَالِبَ هُنَا . (ب) جَاءَ الْأَنْبِيَاءُ (ع) لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَ الطَّرِيقَ الْحَقَّ .	۰/۵
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى. (۱) عَظْمٌ (۲) عَصَبٌ (۳) طِينٌ (۴) لَحْمٌ	۰/۲۵
۴	اُكْتُبِ الْمَفْرَدَ أَوْ الْجَمْعَ لِمَا تَحْتَهُ حَطُّ. وَصَّعَ الْمُزَارِعُونَ الْفَأْسَ عَلَى أَكْتِفَاهِمِ .	۰/۵
۵	إِنتَخِبِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ. (الف) قَسَمَ قَوِيٌّ مِنَ الْجِسْمِ عَلَيْهِ لَحْمٌ: (ب) أَشْيَاءٌ تُؤَكِّدُ اِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ: (۱) الْعَظْمُ (۲) الْعَصَبُ (۳) الدَّمُ (۱) تَقْدِيمُ الْقَرَابِينِ (۲) الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ (۳) تَعَدُّدُ الْأَلِهَةِ	۰/۵
۶	تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَةِ. (الف) ﴿أَ يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرَكَ سُدًى﴾ (ب) لِنَذْكُرْ إِبْرَاهِيمَ (ع) الَّذِي أَنْقَذَ قَوْمَهُ مِنَ الْأَصْنَامِ . (ج) حَمَلَ إِبْرَاهِيمَ (ع) فَأَسَأَ وَ كَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ . (د) إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمَ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا . (هـ) لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمَ (ع) وَحِيداً . (و) لَا سَوْءَ أَسْوَأَ مِنَ الْكُذْبِ . (ز) ﴿... لَا تَخْزُنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا...﴾ (ح) اجْعَلِ الْيَوْمَ سَعِيداً وَ كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ . (ط) تَمَّتِ الْمُرَارُغُ: «لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ» . (ي) تَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ .	۰/۵ ۱ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۱ ۰/۷۵

<p>۰/۵</p>	<p>۷) اِنتَجِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.</p> <p>الف) ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبُعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾</p> <p>۱) و این روز، رستاخیز است بی شک شما نمی دانید.</p> <p>۲) و این، روز رستاخیز است ولی شما نمی دانستید.</p> <p>ب) حَضَرَ السُّيَاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ، لَكِنَّ الدَّلِيلَ لَمْ يَخْضُرْ.</p> <p>۱) گردشگران در سالن انتظار حاضر شدند، ولی دلیلی بر حضور نداشت.</p> <p>۲) گردشگران در سالن فرودگاه حاضر شدند، ولی راهنما حاضر نشد.</p>	<p>۷</p>
<p>۱</p>	<p>۸) كَتَلِ الْفَرَاعَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ.</p> <p>الف) كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لِاتُّذْرِكُ .</p> <p>..... خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که .....</p> <p>ب) ﴿... رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ...﴾</p> <p>[ای] پروردگارا، آنچه را ..... نسبت به آن نداریم بر ما .....</p>	<p>۸</p>
<p>۲</p>	<p>۹) تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.</p> <p>الف) لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةً لِلْعِبَادَةِ. ب) عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ كَانَ يَكْتُبُ تَمْرِيْنَهُ.</p> <p>ج) إِنْ تَكْتُبْ بِعَجَلَةٍ، فَسَيُصْبِحُ خَطُّكَ قَبِيحًا. د) لَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ.</p> <p>هـ) هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِصَّةٍ؟ و) ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قِرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾</p> <p>ز) أَلَمْ ذَاتِ سِنٍَّ عَرِيضَةٌ يَتَطَّعُ بِهَا. ح) ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا...﴾</p>	<p>۹</p>
<p>۰/۷۵</p>	<p>۱۰) اِنتَجِبِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاعِ:</p> <p>الف) يا تلاميذ، لم ..... التَّرْجَمَةَ؟ ۱) لا تَكْتُبُونَ ۲) لا تَكْتُبُوا ۳) لا يَكْتُبُونَ</p> <p>ب) ..... الْعَاقِلُ عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ أُمْسٍ. ۱) لَنْ يَكْتُبَ ۲) لَمْ يَكْتُبْ ۳) لا يَكْتُبُ</p> <p>ج) و لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، ..... أَضْانَهُمْ مُكْسَرَةً. ۱) شَاهَدُوا ۲) شَاهَدَ ۳) شَاهَدُوا</p>	<p>۱۰</p>
<p>۱</p>	<p>۱۱) عَيِّنِ نَوْعَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. (فِعْلٌ مَاضٍ وَ فِعْلٌ مُضَارِعٌ وَ فِعْلٌ أَمْرٌ وَ مُضَدٌّ)</p> <p>الف) اللَّهُ لَمْ يَتْرُكِ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ.</p> <p>ب) تَمَّتِ الْمَرْاعُ؛ «لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا».</p> <p>ج) كَانَ هَدَفُ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينَ لِلْأَلْهَةِ كَسَبَ رِضَاهَا وَ تَجَنَّبَ شَرَّهَا.</p> <p>د) ﴿قَالُوا حَزَّوْهُ وَ انْضُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾</p>	<p>۱۱</p>

٠/٢٥	١٢	إِنْتخِبِ الْعِبَارَةَ الَّتِي فِيهَا «لا» التافية للجنس. (١) لا نجاح في الحياة مع الكسالة. (٢) هل أنت معلم؟ لا، أديب و مُفكّر. (٣) ... لا تحزن إنَّ الله معنا ... ﴿﴾
٠/٢٥	١٣	إِنْتخِبِ الْعِبَارَةَ الَّتِي فِيهَا الْحَرْفُ الْمُشَبَّه بِالْفِعْلِ. (١) ﴿أُحْسِبُ الْإِنْسَانَ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ (٢) كأنَّ إرضاء جميع الناس غاية لا تدرك. (٣) لا دين لمن لا عهد له.
١/٥	١٤	عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ. (الف) لا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لا يَرْحَمُ النَّاسَ. (ب) قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنِ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.
١/٥	١٥	(الف) عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمَبَالِغَةِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ. (١) حَضَرَ الشُّبَّاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ. (٢) الْكَيْفُ عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجُدْعِ. (٣) مَنْ جَرَّوبَ الْمَجْرَبِ حَلَّتْ بِهِ التَّدَامَةُ. (٤) وَ هِيَ تَضَعُ الشَّرِيحَةَ فِي جَوَالِهَا. (ب) تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ. (١) ﴿عَفْرَلِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ (٢) لا فَعْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ.
٠/٥	١٦	صَنَعِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَنَابِغَةً. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (دَكِيٌّ - أُنَّ - لَكِنَّ - جَائِعٌ) (الف) ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ ..... أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ (ب) لِمَاذَا يَبْكِي الطِّفْلُ؟ لِأَنَّهُ .....
١	١٧	اقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ. «عَزَمَ إِبْرَاهِيمُ (ع) عَلَى تَخْرِيبِ الْأَصْنَامِ لِئَتَقِدَّ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ أَقْبَلَ عَلَى الْمَغْبَدِ وَ هُوَ يُشَاهِدُ قَرَابِينَ أَمَامَ الْأَصْنَامِ، فَخَاطَبَهَا إِبْرَاهِيمُ (ع) سَاجِرًا، مَا لَكُمْ لَاتَأْكُلُونَ وَ لَا تَنْطَقُونَ؟ ثُمَّ حَمَلَ فَأَسَهُ وَ بَدَأَ بِتَخْرِيبِ الْأَصْنَامِ جَمِيعِهَا إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ، فَقَدْ تَرَكَهُ سَلِيمًا. لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً. غَضِبُوا غَضَبًا شَدِيدًا. وَ بَدَعُوا وَيَحْتُونُ عَنِ الْفَاعِلِ. وَ قَدْ أَدْرَكُوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) هُوَ الْفَاعِلُ؛ لِأَنَّهُ هُوَ مَنْ كَانَ يَدْعُوهُمْ عَلَى تَرْكِ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.» (الف) كَيْفَ خَاطَبَ إِبْرَاهِيمُ (ع) الْأَصْنَامَ؟ (ب) مَتَى أَقْبَلَ إِبْرَاهِيمُ (ع) عَلَى الْمَغْبَدِ؟ (ج) مَتَى خَرَجَ قَوْمُ إِبْرَاهِيمَ (ع) مِنْ مَدِينَتِهِمْ؟ (د) لِمَ عَزَمَ إِبْرَاهِيمُ (ع) عَلَى تَخْرِيبِ الْأَصْنَامِ؟

## پاسخ تشریحی آزمون‌های درس اول

<p>ز) چرا کودک گریه می‌کند؟ زیرا او گرسنه است. (۵/۷۵)</p> <p>ح) پرنده باهوش وانمود کرده بود که بالش شکسته است. (۱)</p> <p>ط) به مردم دشنام ندهید تا میانشان دشمنی به‌دست آید. (۱)</p> <p>ی) گویی خشنود ساختن همه مردم هدفی است که به‌دست آورده نمی‌شود. (۵/۷۵)</p> <p>ک) آنچه را هیچ توانی نسبت به آن نداریم بر ما تحمیل نکن. (۵/۵)</p>	<p><b>آزمون (۱)</b></p> <p>۱ کلماتی را که زیرشان خط است ترجمه کن. الف) که نجات دهد؛ حرف «أَنْ» به معنی «که» + فعل مضارع ← معادل مضارع التزامی فارسی (۵/۲۵) ب) دشنام ندهید؛ «لا»ی نهی + فعل مضارع ← معادل امر منفی فارسی (۵/۲۵) ج) شادمانی؛ اِنْشِرَاحًا: مصدر باب «اِنْفَعَال» است. (۵/۲۵) د) فریب؛ (۵/۲۵)</p>
<p>۷ ترجمه صحیح را انتخاب کن. الف) گزینۀ «۲»؛ «لا»ی نهی بر سر شش صیغه غایب فعل مضارع بیاید معنی «نباید» می‌دهد. «لا يَحْرُتُكَ: تو را نباید غمگین کند» (۵/۲۵) ب) گزینۀ «۲»؛ حرف مشبّه بالفعل «أَنَّ» معمولاً در وسط جمله می‌آید و معنای «که» می‌دهد. (۵/۲۵)</p>	<p>۲ متضاد را در عبارت زیر مشخص کن. متضاد: التَّارِكُ (ترک‌کننده) ≠ اَلْمُتَمَائِلُ (روی آورنده) (۵/۲۵) اَلْبَاطِلُ ≠ اَلْحَقُّ (۵/۲۵)</p>
<p>۸ جاهای خالی را در ترجمه فارسی، کامل کن. الف) زیرا - مایهٔ تباهی (۵/۵) <b>توجه</b> هرگاه قبل از «إِنَّ» فعل نهی «لا تَعْصَبْ» بیاید معمولاً «إِنَّ» معنای «زیرا» می‌دهد. ب) ذکر نمی‌شود (ذکر نشود) - هیچ برکتی (۵/۵) لا يُدْكَرُ: فعل مجهول است. «لا» حرف نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست» است؛ «برکة» اسم «لا»ی نفی جنس است که به‌صورت «نکره» ترجمه می‌شود.</p>	<p>۳ کلمهٔ ناهماهنگ را در معنی مشخص کن. گزینۀ «۴» (۵/۲۵) بررسی گزینۀها: ۱) جهاد (مبارزه) ✗ ۲) نزاع (مبارزه، کشمکش) ✗ ۳) صراع (مبارزه، کشمکش) ✗ ۴) عَدُوٌّ (دشمن) ✓</p> <p>۴ مفرد یا جمع را برای آنچه که زیرش خط است، بنویس. الف) اَلْخَلْقُ جمع ← اَلْاَخْلَاقُ (۵/۲۵) ب) سُرُورٌ مفرد ← سُرٌّ (۵/۲۵)</p>
<p>۹ فعل‌های زیر را ترجمه کن. الف) باید یاد کنیم؛ «لِ» امر است که در ترجمه زبان فارسی معنای «باید» می‌دهد و «نَدَّكَرُ» فعل مضارع متکلم مع‌الغیر است. (۵/۲۵) ب) با ما سخن گفته است؛ حرف «قَدْ» + فعل ماضی ← معادل ماضی نقلی فارسی. (۵/۲۵) ج) که رها شود؛ حرف «أَنْ» + فعل مضارع ← معادل مضارع التزامی فارسی. همچنین فعل «يُتْرَكُ» مضارع مجهول است. (۵/۲۵) د) تا آشکار کنند؛ فعل مضارع وسط جمله که حرف «لِ» (ناصبه) بر سر آن بیاید معمولاً به معنی «تا» است و معادل مضارع التزامی ترجمه می‌شود. (۵/۲۵) ه) ننویسید؛ فعل نهی و جمع مذكر مخاطب است. (۵/۲۵) <b>توجه</b> هرگاه بعد از «رَجَاءٌ مِنْ فَضْلِكَ لَطْفًا» و «يَا، أَيُّهَا، أَيُّهَا» ای، فعل بیاید آن فعل معمولاً به‌صورت مخاطب ذکر می‌شود. و) رها نکرد، رها نکرده است؛ حرف «لَمْ» + فعل مضارع ← معادل ماضی ساده منفی یا نقلی منفی فارسی. (۵/۲۵)</p>	<p>۵ کلمهٔ مناسب را برای توضیحات زیر انتخاب کن. الف) گزینۀ «۱»؛ کسی که گاهی تمرین‌های درس‌رأمی بنویسد. (۵/۲۵) بررسی گزینۀها: ۱) تنبل ✓ ۲) نویسنده ✗ ۳) تابلو ✗ ب) گزینۀ «۳»؛ انسان از آن آفریده شده است. (۵/۲۵) بررسی گزینۀها: ۱) خاک ✗ ۲) انجیر ✗ ۳) گِل ✓</p>
	<p>۶ عبارت‌های زیر را به فارسی ترجمه کن. الف) با یکتاپرستی به دین روی آور. (۵/۵) ب) نگاره‌ها (کنده‌کاری‌ها) توجّه‌انسان را به دین تأکید می‌کند. (۵/۵) ج) قرآن کریم دربارهٔ کشمکش پیامبران (ع) با ما سخن گفته است. (۵/۵) د) ابراهیم (ع) تبر را بر شانه‌اش آویخته بود. (۵/۵) ه) او را در آتش انداختند، پس خداوند او را از آن نجات داد. (۵/۵) و) او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید. (۵/۵)</p>

۳. الْمَلُؤَنَةُ: اسم مفعول (باب «تفعیل») (۰/۲۵)	۱۶
۴. الْفَوَاصِنُ: اسم مبالغه (۰/۲۵) کلماتی که زیرشان خط است را ترجمه کن. ب) ۱. الْمَطَارُ: فرودگاه (۰/۲۵) ۲. أَشْوَأُ: بدتر (۰/۲۵)	
در جای خالی کلمه مناسب قرار بده. (دو کلمه اضافه است). الف) «لَيْتَ: ای کاش» - آرزوی کردم: کاش باران بسیار ببارد. (۰/۲۵) ب) «تَقَادُ: نقدکنندگان، سخن‌سنان» - باطل را از اهل حق نگیرید از نقدکنندگان (سخن‌سنان) باشید. (۰/۲۵)	
متن زیر را بخوان، سپس به سؤالات جواب بده. ترجمه متن: «پرنده باهوش» «هنگامی که درنده (شکارچی) به بالا نگاه می‌کرد ناگهان لانه «پرنده باهوش» را بالای درخت یافت و همچنین جوجه‌های زیبایش را در لانه دید، با خودش تصمیم گرفت که آن‌ها را شکار کند و بخورد پس از پرنده خواست جوجه‌ای را بیندازد تا با او بازی کند، او را تهدید کرد که اگر آن را انجام ندهد پس بالای درخت خواهد رفت، ولی پرنده فریب دشمن را فهمید و از او فرار نکرد و در مکانش باقی ماند و از لانه‌اش و جوجه‌هایش محافظت کرد.» الف) لانه پرنده باهوش کجا بود؟ (۰/۲۵) كَانَ عَشَّ الطَّائِرِ الذَّكِيِّ فَوْقَ الشَّجَرَةِ. (لانه پرنده باهوش بالای درخت بود) ب) پرنده چه چیزی را فهمید؟ (۰/۲۵) فَهَمَّ الطَّائِرُ خِدَاغَ الْعَدُوِّ. (پرنده فریب دشمن را فهمید.) ج) درنده بر چه چیزی تصمیم گرفت؟ (۰/۲۵) عَزَمَ بِنَفْسِهِ عَلَى أَنْ يَصِيدَ فِرَاحَ الطَّائِرِ الذَّكِيِّ وَ يَأْكُلَهَا. (با خودش تصمیم گرفت که جوجه‌های پرنده باهوش را شکار کند و آن‌ها را بخورد.) د) چرا درنده (شکارچی) یک جوجه را خواست؟ (۰/۲۵) لِيَلْعَبَ مَعَهُ. (تا با او بازی کند.)	

## آزمون (۲)

کلماتی را که زیرشان خط است، ترجمه کن. الف) نگاره‌ها (کنده‌کاری‌ها) (۰/۲۵) ب) تنبل (۰/۲۵) ج) از من نگهداری کن (۰/۲۵) د) تعقیب می‌کند (دنبال می‌کند) (۰/۲۵)	1
---	---

ز) نخواهد نوشت؛ حرف «لَنْ» + فعل مضارع ← معادل آینده منفی (مستقبل منفی) فارسی. (۰/۲۵) ح) گاهی وانمود می‌کند، شاید وانمود کند؛ حرف «قَدْ» + فعل مضارع ← حرف «قد» معنای «گاهی» یا «شاید» می‌دهد. (۰/۲۵)	
فعل مناسب را برای جای خالی انتخاب کن. الف) گزینه «۳»؛ لَمْ أَكْتُبْ: ننوشتم، ننوشته‌ام (۰/۲۵) بررسی گزینه درست: با توجه به قرینه «أَمْسٍ» به معنای «دیروز» باید به دنبال فعلی بگردیم که معنای «ماضی» بدهد. ب) گزینه «۲»؛ سَيَتَّبِعُ: تعقیب خواهد کرد (۰/۲۵) بررسی گزینه درست: با توجه به کلمه «عَدَا» به معنای «فردا» باید به دنبال فعلی بگردیم که معنی آینده (مستقبل) بدهد. ج) گزینه «۲»؛ بَدَأَ (۰/۲۵) بررسی گزینه درست: معمولاً فعل در ابتدای جمله مفرد می‌باشد.	10
نوع کلماتی که زیرشان خط است را مشخص کن. (فعل ماضی و ...) الف) «إِهْتِمَامٌ» مصدر باب «إِفْتِعَالٌ» است. (۰/۲۵) ب) «لَا تَسْتَوُوا» فعل نهی است. (۰/۲۵) ج) «تَبِعَ» فعل ماضی است. (۰/۲۵) د) «أُرْسِلُ» فعل امر مخاطب از باب «إِفْعَالٌ» است. (۰/۲۵)	11
«لَا» نفی جنس را انتخاب کن. (۰/۲۵) گزینه «۱»؛ «لَا طَاقَةَ ...» توجه «لَا»ی نفی جنس بر سر اسم می‌آید و حرکت آخر اسم فتحه است و آن اسم «ال» و «تنوین» نمی‌گیرد.	12
عبارتی که در آن حرف مشبه بالفعل وجود دارد را انتخاب کن. گزینه «۲»؛ «لَيْتَ» (۰/۲۵) توجه حروف مشبه بالفعل عبارتند از: «إِنْ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ».	13
نقش کلماتی که زیرشان خط است را مشخص کن. الف) إِرْضَاءٌ: مبتدا (۰/۲۵) - جَمِيعٌ: مضاف‌الیه (۰/۲۵) - غَايَةٌ: خبر (۰/۲۵) ب) إِبْرَاهِيمُ: فاعل (۰/۲۵) - الإِسْتِيزَاءُ: مفعول (۰/۲۵) - بِأَصْنَامٍ: جارومجرور (۰/۲۵)	14
اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه و اسم تفضیل را در عبارات زیر مشخص کن. الف) ۱. الذَّنْبِيَا: اسم تفضیل (۰/۲۵) ۲. عُدَاةٌ ← مفرد العادي: اسم فاعل (۰/۲۵)	15